

کتاب‌های مرجع

کودک و نوجوان در حوزه پژوهش

پژوهش حوزه آرامی است و پژوهشگران این خادمان خاموش، آرام‌ترین آدم‌های حوزه نشرند. حالا اگر این آدم‌ها در حوزه ادبیات کودک و نوجوان تحقیق کنند، آرام‌تر هم می‌شوند. توران میرهادی، محمدهادی محمدی، حسین ابراهیمی (الوند)، فریدون عسوزاده خلیلی، حمیدرضا شاه‌آبادی و بهدی کاموس پاسخگویی سؤالات کتاب هفته در حوزه پژوهش کودک و نوجوان بوده‌اند.

۴

رمان‌های تألیفی برای نوجوانان

مروارید سال‌های اخیر

پاداش‌ت‌فرازی‌افغان



بایدها و نبایدها در نظارت بر کتاب کودک و نوجوان

با سیدعلی کاشفی خوانساری

۱۰

نقد ریشه می‌گیرد

چهره به چهره با فرهاد نیابتی دبیر اجرایی جشنواره نقد کتاب

۱۲



جشن‌ها و جشنواره‌ها

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از سال ۱۳۶۲ به منظور ارزیابی فرهنگ مکتوب جامعه و شناسایی و تقدیر و حمایت از مسئولان، مترجمان و...

سیاست‌گذاری برای حمایت از فعل قلم، بهترین کتاب‌های هر سال را که در دسته‌های مختلف منتشر شده‌اند انتخاب می‌کند

۱۲

زندگی یک نهاد مدنی

شش سال از تأسیس انجمن نویسندگان کودک و نوجوان می‌گذرد. اکنون انجمن با چشم‌ساز گذشتن فراز و نشیب‌هایی نزدیک به ۲۵۰ عضو دارد. هر چند که انجمن در برنامه‌های هفته کتاب، حضور نداشته، اما تصمیم گرفتیم با دبیر انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، درباره این نهاد مدنی گفت‌وگو کنیم

۹

برنامه‌های انجمن فرهنگی ناشران کتاب کودک

۸

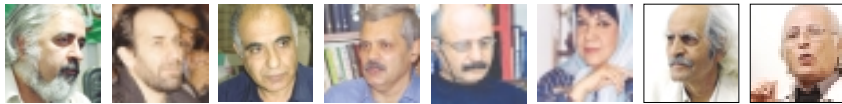
به چه می‌گویند نقد

در نقد سه عامل اولیه وجود دارد: قضاوت و کیفیت و توصیف و این سه عامل در کل بر یک استوارند و آن اصل، تقیاً قضاوت است.

۱۳

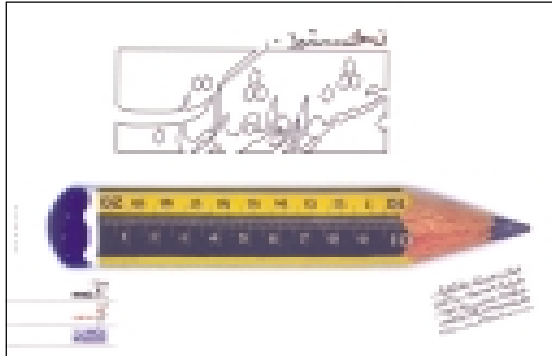
فصلنامه کتاب
ISSN: 1029-3345
دو هفته‌ای، زمستان ۱۳۸۳
شماره ۲۱۲، زمستان ۲۰۱۲
شماره ۲۱۱، بهار ۱۳۸۳
شماره ۲۱۰، تابستان ۱۳۸۳
www.ketabshafar.ir

فرهنگ و فضای نقد



دیدگاه‌های دکتر ضیاء موحد، دکتر محمود روح‌الامینی، سیمین بیبیبائی، عباس مخبر، ابوالقاسم رادفر، هوشنگ مرادی کرمانی، احمد غلامی و مدیا کاشیکر

۱۴



منتشر شد
راهنمای ناشران و کتابفروشان

ادبیات پایدار
برگزیدگان جشنواره ادبیات پایداری
گفت و گو با دبیر جشنواره ادبیات پایداری

کتاب هفته شنبه ۱۴ آذر ۸۳
منتشر می‌شود



✓**۱۳۸۳-۴** کتاب و پدیدآورندگان مرasm جلیلی از پندآورندهٔ گان کتاب‌های نشوینی بیست و یکمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران و مرasm نظری از خادمان نشر در سال سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

✓**یکشنبه ۸۳/۸**

کتاب، صنعت و کارگر
حمایش کتاب، صنعت و کارگر ساعت ۱۰ سالن اجتماعات شرکت سایکو

✓**دوشنبه ۸۳/۹** - کتاب و دانش‌آموز اولین جشنواره کتاب سال دانش‌آموزی ساعت ۹ در تالار فردوسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران

- **سینتار بررسی موانع و راهکارهای فروش کتاب از طریق اینترنت، ساعت ۱۵ در خانه کتاب**
- **یازدهمین دوره کتاب سال دانشجویی ساعت ۱۰ در تالار شهید مطهری دانشگاه تربیت مدرس**
- **آغاز فروش سال در جشن کتاب ساعت ۹ در مرکز آفرینشهای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان**

✓**چهارشنبه ۸۳/۴** - کتاب، کتابدار و اطلاع‌رسانی

- **چهارمین نشست سؤوالان فرهنگی استان‌ها ساعت ۹ در هتل اروم**
- **سینتار بررسی تحولات ISSN و ISBN ساعت ۱۶ در دانشکده علوم دانشگاه تهران**

✓**پنجشنبه ۸۳/۵** - کتاب، خادم‌ان نشر و حامیان نسخ خطی
- **مراسم بزرگداشت پنجمین دوره آئین بزرگداشت حامیان نسخ خطی ساعت ۱۴ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی**
- **کارگاه آموزشی نشر اینترنتی در استان فارس، ساعت ۹ در اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان فارس**

✓**جمعه ۸۳/۶** - کتاب و رسانه
- **مراسم تجلیل از خبرنگاران برتر حوزه کتاب، ساعت ۱۸، هتل بلوار**
- **حمایش تخصصی «بهرگیری از ابزارهای تبلیغی، ارتباطی و فناوری اطلاعات در حوزه توزیع و ترویج کتاب» ساعت ۹**

✓**شنبه ۸۳/۷** - کتاب ایران در جهان
- **حمایش تخصصی «دوره نشر بین‌المللی ایران، تجربه‌ها، کاستی‌ها و توانمندی‌ها» ساعت ۱۴**
- **مراسم تجلیل از کتابداران نمونه و خادم‌ان فرهنگ مکتوب، ساعت ۱۵:۳۰ در تالار وحدت**

✓**یکشنبه ۸۳/۸** - کتاب و ادب‌پاینداری
- **سومین جشنواره ۲ سالانه ادبیات پایداری ساعت ۱۸ در سالن معاونت سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی**
- **کارگاه آموزشی ضرورت راه‌اندازی سایت توسط ناشران ساعت ۹ در خانه کتاب**

امروز

دوشنبه ۸۳/۹ - کتاب و کودک و نوجوان
- **معرفی بچه‌های کتابخوان مراکز کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در سالن آمفی‌تئاتر مرکز آفرینشها**
- **نخستین جشنواره نقد کتاب، ساعت ۱۵ در خانه هنرمندان**

برگزیدگان سومین جشنواره دوسالانه ادبیات پایداری معرفی شدند. اثر برگزیده بخش خاطره، نگاه شیشه‌ای، محسن مطلق؛ اثر تقدیری بخش خاطره، خرمشهر پایتخت جنگ، سیدقاسم باحسینی؛ اثر برگزیده بخش زندگینامه، داستان بهنام، داوود امیرپایان؛ اثر تقدیری بخش زندگینامه، می‌توان نهارفت، داوود بخجاری؛ اثر برگزیده بخش داستان کوتاه، هیچ اثری؛ انتخاب شده، اثر تقدیری بخش داستان کوتاه، حضور، عزیز تو زوی جلالی؛ اثر برگزیده بخش رمان، پیل معلق، محمدرضا باقری؛ اثر تقدیری جشن و زبان، خیال‌حورث، فرهاد حسن‌زاده؛ اثر برگزیده بخش شعر، سکوت آزاد است، سیدعباس‌الدین شفیعی؛ اثر

برگزیدگان سومین جشنواره دوسالانه ادبیات پایداری

تقدیری بخش شعر، میاندار، حسین ابراهیمی؛ اثر برگزیده کودک و نوجوان (داستان) کوچک، مصعب، حمیدرضا نجفی؛ اثر تقدیری کودک و نوجوان (داستان)، دوسنان خداحافظی نمی‌کنند؛ اثر تقدیری کودک و نوجوان (شعر)؛ بچه‌ها دلم بر اینان تنگ می‌شود، عزت‌الله الهی‌زهی؛ اثر برگزیده بخش بخش پایان نامه، محسنیت فردی در نمایشنامه‌های جنگ ایران و عراق، بهنام معری؛ همچنین هیأت داوران به پاس سال‌ها خدمت مسافت‌ها و مدیریت موفق در حفظ و پشت‌نشاط دوران دفاع مقدس از دکتر محبتی رحماندوست تقدیر کرد.

بیانیه هیأت داوران جشنواره

در باور بشریت -چه غیرتوحیدی و چه غیرتوحیدی- چه فردی و چه امروزی -مفوترترین واژه اعظم و ساینه‌ترین گونه زیستن زندگی زویر باار ظلم است و به شهادت ازاد مردان بزرگ عالم، نهاره میانه‌بری که بشریت را از آن چاروبه عدل بترکیم می‌کند، صورت است. نظریهٔ «سخ» از همه صلاح‌ها کوچکتر و از همه اوزارها برافکن.

این رنگ آشنایی قبیله مظلوم تاریخ است و وقتی سر از نیام بر می‌آورند، دشمن را نابودیا برسامی کند، نجفی رسوگری‌اش گریاست و مظهر پیروزی‌اش ایران ۵۷

ظلم همراه انسان است، از نخستین هایلر رخ نموده و تا آخرین هایلر می‌یابد و این یعنی که همیشه باید خون در رگ‌ان جامعه بیود تا پیگر عدل زنده ماند و قامت برافزاد.
حجوم هشت ساله‌ای که در بهار آزادی روی به این سرزمین نهاد، ایدامه نقلی است که تاآشنای تاریخ نیست و نظریه‌های سرخی که به پای آن ریخت، ازو هلی است که نقاب عداوت و زانگی باآن رقم می‌خورد. خود، پنهانی آزادی است و دیابت و دهن‌زبان آن آزادی، باخود تمام می‌گیرد و با ادبیات می‌یابد. بر این اساس اگر نسل امروز مفهوم پایداری هشت‌ساله را می‌فهمد، از زبان ادبیات است و اگر نمی‌فهمد یا کم می‌فهمد

داوود دبیرجشنواره ادبیات پایداری:

خاطره پرترفدارترین بخش جشنواره است

آیا موضوعی بود که تعداد آثار را بالای از حدی خلق می‌باشد، به طوری که شما از آن صرف‌نظر کرده باشید؟
بله، در بخش نمایشنامه و فیلمنامه آندقد آن کم بود که این بخش را به نگی از سبب حذف کردیم.

بعد از اینکه این برگزیدگان را معرفی می‌کنید، آیا احیای خاصی هم از جدید چاپ آثار آنها و چاپ کتاب‌های بعدی انجام می‌دهید؟
در بعضی حوزه‌ها مانند پایان‌نامه حاجت می‌تیم، براری حسبت از کتاب‌های منتشر شده هم تعدادی از نسخه‌های آنها را می‌خریم و هدیه می‌تیم.

کیفیت آثار نسبت به دوره قبل تفاوت فاحشی داشته است؟
مثلاً قلمی که به عنوان رمان برگزیده این جشنواره انتخاب شد، در انجمن قلم هم بهترین اثر داستانی سال معرفی شده بود. همچنین در میان نمردهای داستان کوتاه هم، بعضی کتاب‌ساز جشنواره‌های دیگر به مراحل بالاتری رسیدند و جایزه هم گرفتند. ولی از آنجمله که ما به کتاب‌هایی توجه می‌کنیم که به دل‌آوری‌ها و تفرقه‌های زردنگان بنا شده است، آنها را انتخاب می‌کنیم. ممکن است کتاب‌هایی باشند که خیلی هم فوری باشند ولی به موارد مورد نظر ما نریخته‌اند. باشند که آنها از دور دآوری حذف می‌کنیم.

یک نویسنده و دو جایزه

بعد از این کتاب‌ها، آیا روی موضوعات دیگری در این دفاع مقدس کم کار کرده‌ا؟
اگر چه شروع نوشتن من با موضوعات جنگ و دفاع مقدس بود ولی بعد از انتشار این کتاب‌ها، رویه آثار من هم آزاده که توان‌نگ برده‌ام. از جشنواره سلام جهان‌سود شده. مرده مبارزه، داستان انقلاب است و جدیداً هم انتشارات فدایی «جام جهانی در جوانی» را از من به چاپ رسانده است.

کاری زیر چاپ دارید؟

داستان «دو سلحشور و زغنی» که یک رمان طنز فانتزی است، در نشر علم در دست چاپ است.

طنز فانتزی؟

دوستان خردم می‌گویند که چرا فقط کار جنگ انجام می‌دهی و فکر می‌کنند آنگاه ازین بی‌گزار باشی. گوییم، ولی من فقط برای آنکه به طعنه تألیف کنم که هر دو عالم در فراغ دیگر اندک‌اند. شیه‌های دیگر را هم تجربه کردم که همین کتاب جام جهانی در جوانی است. افزایش را برای قلمساری و سربال نیرویونی خریده‌ام. بزودی هم قرار است ترجمه شود.



آثاری که برای این دوره به دبیرخانه جشنواره رسیده‌باشند، موضوعاتی بود و از کدام بخش‌ها بیشتر استقبال شده بود؟

بخش خاطره نسبت به سایر بخش‌ها در این دوره بر رویتر بود. بعد از آن به ترتیب، بخش زندگینامه، داستان کوتاه، رمان و کودک و نوجوان قرار داشت. از همه کم رویتر هم بخش پایان‌نامه‌ها بود.

دو مقاله‌به‌دوره قبل وضع چگونه بود؟

در همه گروه‌ها آثار رسیده نسبت به دوره قبل بیشتر بود. غیر از پایان‌نامه.

فکر می‌کنید علت کم بودن پایان‌نامه‌ها در این دوره چه بود؟

ما در دوره قبل پایان‌نامه‌های بیست سال را بررسی کردیم، ولی این دوره فقط پایان‌نامه‌های دو سال اخیر مورد دآوری قرار گرفت.

داوود امیرپایان کسی بود که در سومین جشنواره دوسالانه ادبیات پایداری دو جایزه را از آن خود کرد. «داستان بهنام» او اثر برگزیده بخش زندگینامه و «دوستان خداحافظی نمی‌کنند» داستان تقدیری کودک و نوجوان معرفی شد.

اثر برگزیده بخش زندگینامه، داستان بهنام شما بود. به‌نجام کسی؟
این کتاب درباره زندگی شهید بهنام محمدی است. او همان سلحشور ۱۳ ساله خرمشهری است که در حمله ۳۸ روز به‌چهار خرمشهر، حضور داشت. به‌نجام، من کم‌و‌بچه بسیار کوچکش کارشناسی می‌کرده. به‌نجات می‌رسانده و سقا هم بوده است. او چنین باز اسیر عراقی‌ها می‌شود ولی می‌تواند با نهمی‌هایی فرار کند و مقر دشمن را از هدف، ظاهر آ کتاب شما قیلام جایزه دیگری بوده است، درباره آن بگویید.
سال گذشته در جشنواره شهید غنی، پرر هم این کتاب اول شد.

کتاب دیگر شما که در بخش داستانی کودک و نوجوان او آن تقدیر شده چه؟

این کتاب هم دومین جایزاش را از این جشنواره گرفت. مدتی قبل رمان برگزیده جشنواره دفاع مقدس بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس شد.

در سومین جشنواره دوسالانه ادبیات پایداری عنوان شد:

وزارت ارشاد از نشر و ترجمه آثار برتر ادبیات پایداری حمایت می کند

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آمادگی خود را برای نشر و ترجمه آثار برتر ادبیات پایداری اعلام کرد. به گزارش خبرنگار کتاب هفته، محمدعلی شجاعی، معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، با اعلام این مطلب در سومین جشنواره ادبیات پایداری که عصر روز گذشته برگزار شد، افزود: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تلاش برای گزینش و چکیده‌نویسی بیست سال ادبیات پایداری را آغاز کرده و قرار است این اثر به زبان‌های خارجی عرضه شود تا از این رهگذر ضمن معرفی آثار این نوع از ادبیات مورد نقد و ارزیابی قرار گیرد.

شاعی با اشاره به اینکه هدف حصد مقصد اثر مورد ارزیابی و داوری قرار گرفته است، گفت: دیربختان این جشنواره در طول این سه دوره، چراغ را روشن نگه داشته است و امروز می‌توان ادعا کرد به اهداف تعریف‌شده خود نزدیک شده است. معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ضمن تشکر از



رسانه‌هایی که آثار ادبیات پایداری را در دو سال گذشته مورد نقد و بررسی قرار داده‌اند، درباره دور دوره قبلی این جشنواره گفت: دو نکته در مرور سخنرانی‌های مسئولان دو دوره قبل به

نظرم مورد توجه آمده؛ در دوره‌های گذشته بیشتر درباره امیدها و آرزوها، همچنین تألیف‌هایی که برای رسیدن به اهداف باید مورد تأمل قرار گیرد، بحث شده بود.

وی با طرح این پرسش که آیا جشنواره ادبیات پایداری ترنمه‌موضوعی، موزون نظر خود را پیدا کند یا محور اظهار کرد: می‌توان روند تحولات کمی و کیفی آثار مورد بررسی قرار داد. آثار در این دوره، تحول کمی داشته است، چون تعداد کتاب‌های مورد بررسی از ۳۲۰ عنوان در دوره دوم به حدود هفتصد عنوان در دوره سوم رسیده است. همین تعداد بیشتر نویسنده‌گانی که در این حوزه قلم می‌زنند، امیدهای بسیاری را به وجود می‌آورد. شاعی همچنین به

نشان این اثر اشاره کرد و با تأکید بر اینکه آثار منتشرشده حوزه ادبیات پایداری محض نشان‌ان خاصیتی نبوده است، گفت: تقریباً



بیشتر نشان‌الثری با این موضوعات را منتشر کرده‌اند. وی با بیان اینکه در میان نویسندگان این دوره‌نام‌های جدید بسیاری به چشم می‌خورد، اذعان کرد: آثار سفارشی نیستند افراد آنها را بیشتر برای دل خود نوشته‌اند و نکته قابل ملاحظه آن است که می‌توانیم سیر تحول فرهنگی کشور را در این حوزه دقیق‌تر ببینیم، چون این بخش، متعلق به تاریخ معاصر ما بوده است.

معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در ادامه افزود: می‌توان به دو صورت به ادبیات پایداری نگاه کرد: یکی نگاه زیبایی‌شناسانه که اینگونه از ادبیات را مانند سایر گونه‌های دیگر آن دوره بررسی قرار می‌دهد و دیگری نگاه ارزشی که در آن به یک مقوله اجتماعی از منظر یک مکتب و چارچوب فلسفی می‌توان نگریست.

وی اعلام کرد: گزارش هیأت داوران از بررسی آثار نشان می‌دهد ادبیات حوزه پایداری به نوعی ثبات نزدیک می‌شود. نمونه آن هم آثاری است که هم در این جشنواره برگزیده شده و هم در بالاترین سطوح مسابقات ادبی کشور، و چنین رویدادهایی گواه آن است که ادبیات ما در اوج ظهور خود به ادبیات پایداری می‌رسد.

شاعی در انتها با تأکید بر اینکه شرط موفقیت در

برکت

بی‌نیتار
<div><div><div><div><div><div></div></div></div><div><div><div></div><div></div></div></div><div><div><div></div></div></div></div></div></div> <div>وقتی در مراسم اهدای جوایز، هیأت داوران ابتدا از مجتبی رحماندوست به پاس سال‌ها خدمت و مدیریت صادقانه و موفق در حفظ خاطرات جنگ‌نقدی‌کرد، وی پشت‌تزیون رفت و برای چند لحظه سخنانی گفت؛ گزارشی عملکرد ۱۶ ساله‌ام را به استحضار شما سروران می‌رسانم؛ از اینکه بعد از گذشت ۱۶سال از پایان جنگ هنوز نتوانسته‌ام کتابی را که آینه تمام‌نمای رشادت‌ها و از خودگذشتگی‌های شما باشد، منتشر کنم، معذرت می‌خواهم. از اینکه فرزندان شما در مدرسه و دانشگاه نجابت می‌کنند، بگیدند من فرزند شهید هستم، از شما معذرت می‌خواهم. از اینکه در طول این سال‌ها نتوانسته‌ام حتی یک رمان برگز ترجمه‌شده‌ای را که شما را به تصویر بکشد، به جهانیان معرفی کنم، معذرت می‌خواهم.</div>
از اینکه نه در توسعه اقتصادی و نه در توسعه سیاسی جایی برای تقدیر از زینت‌گان دفاع مقدس نبوده، معذرت می‌خواهم… نمی‌خواستم روحان را بیازارم، ولی مطمئن آنچه باید مناسب با مقام شما انجام شود، در راه است؛ در همین لسل، چچه‌های شما به جرن‌های پاک شما، استعفاء خواهند کرد، دیو و زود دارد، اما سوخت و سوزندارید…
انقلاب و جنگ تحمیلی بوده است، وی در ادامه به خواندن بخش‌هایی از کتاب خود پرداخت.

دردوازمین دوره هفته کتاب

کتاب راهنمای ناشران و کتابفروشان منتشر شد

کتاب راهنمای ناشران و کتابفروشان، پس از انتشار هفت دوره راهنمای ناشران و یک دوره راهنمای کتابفروشان توسط خانه کتاب، در دوازدهمین دوره هفته کتاب منتشر شد. به گزارش روابط عمومی خانه کتاب در این کتاب برخلاف نسخه‌های پیشین که فقط اطلاعات ناشران فعال سال قبل به چاپ می‌رسید، اطلاعات ناشرانی که در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ حداقل یک کتاب منتشر کرده‌اند، به چاپ رسیده است.

فردان کتاب همچنین از کتابفروشی‌هایی که تا اوایل سال ۱۳۸۳ فعالیت داشته‌اند، به عنوان کتابفروشان فعال نام برده شده است. در بخش نخست کتاب که به ناشران اختصاص دارد، اطلاعاتی نظیر نام انتشارات، نام مدیرمسئول، نشانی، تلفن، آدرس، شماره شناسنامه شابک (ISBN)، کدپستی، صندوق پستی، شماره پروانه نشر، تاریخ تأسیس، نشانی پست الکترونیکی، نشانی وبگاه اینترنتی، موضوع و تعداد کتاب‌هایی که تا نشر از ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۲ منتشر کرده است آمده است. فهرست ارجاعات و نمایه از دیگر بخش‌های این کتاب است که نمایه‌های آن شامل نمایه نام مدیرمسئول انتشاراتی‌ها، موضوع کتاب، نام ناشران، محل فعالیت ناشران شهرستانی است. پیش‌شماره تلفن شهرستان‌ها و اطلاعات آماری از دیگر بخش‌های این کتاب است. در بخش نهمم راهنمای کتابفروشان آمده است که با افزایش تعداد و دقت اطلاعات نسبت به سال قبل به چاپ می‌رسد و در این نسخه نسبت به نسخه قبلی تعداد کتابفروشی‌ها ۱۳۳ درصد افزایش یافته است.

نشر اینترنتی

سایت برای ناشران

کارگاه آموزشی ایجاد سایت برای ناشران، پدیدها و نمایه‌ها، در ادامه برنامه‌های مؤسسه خانه کتاب، به منظور افزایش آگاهی ناشران در خصوص اطلاع‌رسانی و اینترنت با حضور جمعی از ناشران روز گذشته در خانه کتاب برگزار شد.

دکتر کیوان کوشا مدرس دانشگاه در این نشست با تأکید بر ضرورت ایجاد سایت برای ناشران گفت: امروزه ناشران به این نتیجه رسیده‌اند که باید در حوزه اطلاع‌رسانی تلاش کنند و در خصوص انتشار آثار از طریق اینترنت دورویگرد را پیش‌گیرند. بعضی از ناشران به‌طور کلی کتاب‌های خود را به صورت الکترونیکی منتشر می‌کنند و گروهی دیگر بخشی یا تمام آثار و منابع چاپی خود را روی سایت قرار می‌دهند تا خوانندگان را به آثار خود جلب کنند.

دکتر کوشا در ادامه به ارزش‌های افزوده نشر اینترنتی پرداخت و افزود: نشر اینترنتی دسترسی همزمان به نسخه‌ای واحد از کتاب و امکان‌اند جست‌وجوی اطلاعات را فراهم می‌کند. افزودن اطلاعات چند رسانه‌ای مانند اطلاعات صوتی و تصویری و انتطاف‌پذیری در ویرایش برای اصلاح یا ویرایش‌های جدید بدون صرف هزینه از ارزش‌های دیگر نشر کتاب در محیط وب است. همچنین در نشر اینترنتی ایجاد پیوندهای فرمضی به منابع اطلاعات مرتبط در وب ممکن می‌شود.

در واقع این ارزش‌ها که برای نشر اینترنتی گفته شد، در فضای چاهی وجود ندارد؛ یا اگر وجود داشته باشد هزینه بسیار زمان طولانی را صرف می‌کند. وی سپس مزایای نشر کتاب در محیط وب را برای ناشران برشمرد و توضیح داد: کاهش هزینه‌های تولید و چاپ کتاب، عدم نیاز به فضای فیزیکی برای انبار کردن کتاب، عدم نیاز به توزیع و ارسال کتاب به نقاط دیگر و عدم برگشت کتاب از سوی کتابفروشان ناشران دارد. همچنین این شیوه نشر به سرعت چرخه نشر کتاب و خرید پیوسته کتاب کمک می‌کند و منابع از تمام شدن نسخه‌های چاپی

نشر اینترنتی فرستادن کتاب به عنوان یک روش جدید در فضای اینترنت و آثار تخصصی برای ناشران ایجاد می‌کند. دکتر کوشا پس از بیان مزایای نشر اینترنتی برای ناشران به محدودیت‌های نشر کتاب در محیط وب پرداخت و گفت: دسترس‌پذیری به خط اینترنت و کامپیوتر یکی از مشکلاتی است که در این خصوص مطرح می‌شود که خوشبختانه در حال حاضر بیشتر افراد به کامپیوتر و اینترنت دسترسی دارند. چن مؤلف کتاب‌های الکترونیکی نگرانی است که در این خصوص مطرح است و با توجه به اینکه چن مؤلف کتاب‌های چاپی در کشور مانع‌پذیر می‌شود این تهدید درباره کتاب‌های الکترونیکی به خاطر ویژگی‌های اینترنت بیشتر است.

چگونگی فروش کتاب‌های الکترونیکی، مشکلات استاندارد به کتاب‌های الکترونیکی، نبود فهرستگان برای این کتاب‌ها و مسائل معنوی مربوط به نشر کتاب در قالب الکترونیکی از دیگر محدودیت‌های نشر کتاب در محیط وب است. همچنین خوانندگان کتاب‌های الکترونیکی دچار مشکل هستند و بر اساس پژوهش‌های انجام شده، افزایش بار با کتاب‌های چاپی بسیار آسانتر از کتاب‌های الکترونیکی ارتباط برقرار می‌کند.

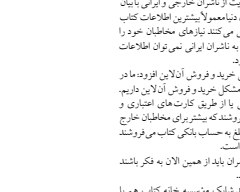
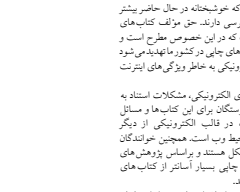
وی سپس با نمایش چند سایت از ناشران خارجی و ایرانی با بیان ویژگی‌های هر کدام گفت: ناشران می‌توانند لایشتین اطلاعات کتاب را در سایت قرار می‌دهند و سعی می‌کنند نیازهای مخاطبان خود را بسنجند اما در سایت‌های مربوط به ناشران ایرانی نمی‌توان اطلاعات کاملی درباره کتاب به دست آورد.

دکتر کوشا اضافه به مشکل خرید و فروش آنلاین افزود: ما در هر زمینه‌ای از جمله حوزه کتاب مشکل خرید و فروش آنلاین داریم. امروزه سایت‌های ناشران ایرانی با از طریق کارت‌های اعتباری و بین‌المللی کتاب‌های خود را می‌فروشند. بیشتر گرای مخاطبان خارج از کشور است و با از طریق واریومع به حساب بانکی کتاب می‌فروشند که این شیوه در ایران بسیار رایج است.

وی در پایان یادآور شد: ناشران باید از همین الان به فکر باشند تا از طریق اینترنت نقش ایفا کنند.

داریوش مطلق، مدیر واحد شابک مؤسسه خانه کتاب هم با تأکید بر اطلاع‌رسانی کتاب‌گفته: مشکل ما نبود کتابخوان نیست، بلکه عدم اطلاع‌رسانی مناسب و دسترسی به کتاب است. بنابراین ناشران باید خود را با اینترنت همدم کنند تا به اطلاع‌رسانی و فروش مناسب دست یابند. اگر ناشران خود را با این تکنولوژی همدم نکنند، آسیب می‌بینند و مشتریان خود را از دست می‌دهند.

مطلق با اشاره به فعالیت‌های خانه کتاب افزود: خانه کتاب وظیفه در هدف اطلاع‌رسانی داده و سعی می‌شود کتابفروشی اطلاعات در حوزه نشر و کتاب ارائه شود.



۳

شماره ۹

پوشش ۹ آذر ۱۳۸۲

کتابفروشان

کتابفروشان

کتابفروشان

کتابفروشان

کتابفروشان

کتابفروشان

کتابفروشان

کتابفروشان

کتابفروشان

کتابفروشان

کتابفروشان

کتابفروشان

کتابفروشان

کتابفروشان

کتابفروشان

کتابفروشان

کتابفروشان

کتابفروشان

کتابفروشان

کتابفروشان

کتابفروشان

کتابفروشان

کتابفروشان

کتابفروشان

کتابفروشان



کتاب، کودک و نوجوان

نقشه محمودی



پژوهش حوزه آراسی است و پژوهشگران، این خادمان خاموش، آرام‌ترین آدم‌های حوزه نشرند. حالا اگر این آدم‌ها در حوزه ادبیات کودک و نوجوان تحقیق کنند آرام‌تر هم می‌شوند. این را در صحبت‌هایی که با پدیدآورندگان کتاب‌های مرجع کودک و نوجوان داشتیم دریافتیم. آنها که متفقا از فقر منابع و عدم پختی و فروش حاصل پژوهش‌های خود به عنوان مهم‌ترین موانع ادامه کار نام می‌برند، با عشقی که به اعتلای ادبیات کودک و نوجوان ایران دارند راه خود را در این عرصه ناهموار ادامه می‌دهند و گلابه‌های آنان مایع تلاش مجدداً نشان نیست.

از میان کتاب‌هایی که در کتابخانه مرکزی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان، کتابخانه شورای کتاب کودک، کتابفروشی‌های راسته کرمخان و کتابفروشی پر و پیمان کتاب مرجع وابسته به بنیاد دایرةالمعارف اسلامی یافتیم، با توجه به وقت کمی که در اختیار داشتیم دست به انتخاب زدیم. تاریخ ادبیات کودکان ایران، شناخت ادبیات کودکان، گونه‌ها و کاربردها از روزن چشم کودک، مبانی ادبیات کودکان و نوجوانان، مقدمه بر ادبیات کودک، فرهنگ توصیفی شخصیت‌های داستانی نوجوانان، ادبیات کودکان و نوجوانان (ویژگی‌ها و جنبه‌ها)، فرهنگ‌نامه کودکان و نوجوانان و دانشنامه کودکان و نوجوانان آکسفورد گزینه‌هایی بودند که از میان کتاب‌های مرجع برگزیدیم. تلاش من برای یافتن ویراستار مجری دانشنامه کودکان و نوجوانان آکسفورد و نقشه‌جاری نویسنده کتاب ادبیات کودکان و نوجوانان (ویژگی‌ها و جنبه‌ها) به ثمر نرسید و نوران میرهادی، محمدهادی محمدی، حسین ابراهیمی (الوند)، فریدون عموزاده، خلیلی، حمیدرضا شاه‌آبادی و مهدی کانوس پاسخگوی سؤالات من در این حوزه بودند که در ادامه می‌خوانید.

کتاب‌های مرجع کودک و نوجوان در حوزه پژوهش

مدیر انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان معتقد است که ادبیات کودک کشور ما پشترانه نظری محکمی ندارد و طی ۲۰ ساله که از عمر آن می‌گذرد کار نظری بسیار کم انجام شده است. شاه‌آبادی می‌گوید: کسی که می‌خواهد کار تحقیق را در حوزه ادبیات کودک شروع کند منابع زیادی در دسترس ندارد و راه برای او هموار نیست. اگر هم قبلاً توسط دیگران هموار شده باشد، هیچ تقصیمی وجود ندارد که مسیری که دیگران رفته‌اند درست باشد.

اما او فکر می‌کند که در سال‌های اخیر ادبیات کودک وارد حوزه نظری شده است و نظریه‌هایی که ارائه می‌شود بعداً توسط دیگران ادامه پیدا خواهد کرد. او معتقد است که ما الان در دوره نقل و انتقال نظریه‌ها به سر می‌بریم.

اما محمدهادی محمدی که به همراه زهره قاضینی کتاب عمده‌ی تاریخ ادبیات کودکان ایران را در سال ۱۳۸۰ منتشر کرده است درباره منابع مورد استفاده در این کتاب می‌گوید: زمانی که در سال ۷۵ کار را آغاز کردیم

چون قبلاً در این زمینه کاری صورت نگرفته بود از گسترده‌ی آن اطلاع نداشتیم. در واقع بجز مقالات سرامی و مطایز که در آنها اشاراتی به تاریخچه ادبیات کودک شده بود، اطلاعات ما دست نداشتیم و تصویر اولیه ما این بود که کار در در جلد تمام می‌شود.

این پژوهشگران وقتی که قدم به قدم پیش رفتند، اسناد و مدارک ارزنده‌ای یافتند. به عنوان مثال در آثار افلاطون شواهدی درباره رسمیت داشتن ادبیات کودکان در یونان باستان به دست آوردند. در امتحان شاعران پس از اسلام ایران نیز به شواهدی برخوردند.

آنان برای تألیف این کتاب بیش از ۴۰۰۰ کتاب چاپ سری و ۴۰۰ کتاب سنگی گردآوری کردند و در هر جلد افرادی اسناد را در اختیار آنها قرار دادند.

محمدی می‌گوید: ما هم تمام قاضینی در سفری که به انگلستان داشتند در کتابخانه یک مؤسسه شرق‌شناسی سنلی را درباره وضعیت کودک ایرانی در سده نوزدهم پیدا کردند که نقلی‌های رنگی داشت و ما از یک آن برای تألیف کار بهره بردیم. آقای آفریدی نیز صد‌ها کتاب چاپ سنگی چپه‌چوانی دوره قاجار را که طی سی-چهل سال فعالیت خود گردآوری کرده بودند، در اختیار ما گذاشتند تا بعد از استفاده در موزه به نمایش بگذاریم.

همکارانش مورد استفاده قرار گرفته می‌گوید: بررسی تمام کارهای چاپی نوجوانی که در ایران و خارج از کشور تألیف و ترجمه شده بود برای ما نه ممکن و نه مقدور بود بنابراین بروی فهرست‌های کتاب‌های برگزیده تمرکز کردیم. البته اگر قرار بود فقط از منابع مکتوب موجود در کشور استفاده کنیم فرهنگ‌مجلات نامم می‌ماند بنابراین از جست‌وجوی اینترنتی هم استفاده کردیم و خوشبختانه خیلی راحت منابع را به دست آوردیم.

از میان فهرست‌های داخلی که عموزاده از آنها استفاده کرده است می‌توان به فهرست کتاب‌های برگزیده شورای کتاب کودک، کتاب سال وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کتاب‌های برگزیده آموزش و پرورش قبل و بعد از انقلاب، فهرست برگزیدگان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان، دوچرخه طلایی و سروش نوجوان اشاره کرد. فهرست‌های خارجی نظیر فهرست برگزیدگان جاره آلدینس و جازه لیوری و فهرست کتاب سال کشورهای مثل آلمان، کانادا، انگلیس، فرانسه، آمریکا و... نیز در راه انتخاب

برگزیده‌ها پارکیر این نویسنده کودک و نوجوان بوده‌اند. او می‌گوید: حاصل کار جست‌وجو در فهرست‌های گوناگون، مجموعه‌ای از ۳۵۰۰ عنوان کتاب برگزیده بود که در سال ۸۲ توسط نشر آفتابگردان منتشر شد اما به دلیل هزینه بر بودن تجدید

چاپ نشد. با وجود اینکه در زمینه چنین منابعی بسیار فقیر هستیم و با اینکه فهرست منابع را به نهادهایی مثل اداره کل فرهنگی-هنری آموزش و پرورش، کانون پرورش فکری و انتشارات مدرسه ارسال کردیم، تا هیچ استقبالی برای خرید مواجعه نشد.

فقر منابع نظری

حمیدرضا شاه‌آبادی مؤلف کتاب مقدمه بر ادبیات کودک نیز درباره منابع مورد استفاده خود می‌گوید: موضوع کتاب برای من به صورت یک سوال مطرح بود. مفهوم کودکی چیست؟ برای پاسخ به آن منابع را در اختیار نداشتیم. تا اینکه در سال ۸۰ یک بورس تحقیقاتی از کتابخانه بین‌المللی مونیخ گرفتیم و طی سه ماه تحقیق منابع خوبی را پیدا کردیم. مثل کتاب قرون کودکی اثر فیلیپ آریز که در فهم مفهوم کودکی خیلی مریاری کرد و چند کتاب تاریخی دیگر که به تحول تاریخی مفهوم کودکی در اروپا می‌پرداخت. بنابراین الگوی اولیه را از مونیخ به دست آوردیم و در بازگشت از منابع ادبیات کهن ایران هم استفاده کردیم.

برای کار خود از منابع استفاده کردید؟ این نخستین پرسشی بود که از پژوهشگران با مترجمان این حوزه پرسیدیم. اگرچه پاسخ‌ها با توجه به موضوعات متفاوت کاری با هم تفاوت‌هایی داشتند اما فقر منابع نقطه اشتراک بیشتر آنها بود.

مهدی کانوس که در سال گذشته به اتفاق محمود حکیمی کتاب مبانی ادبیات کودکان و نوجوانان را که به ادبیات دینی می‌پردازد منتشر کرده است، در این باره می‌گوید: یکی از مشکلات و ویژگی‌های کار ما فقدان منابع مستقل درباره مبانی ادبیات دینی کودکان و نوجوانان بود. آنچه که باقیمن محدود به چند روزنامه و چند مقاله بود. مهم‌ترین آنها ویژه‌نامه شماره ۸ و ۹ پویش بود که به مقالات دینی پرداخته بود و شماره‌های ۷ و ۸ از فصلنامه پژوهشنامه کودک و نوجوان به سردبیری مهدی

حجوانی که درباره ادبیات دینی کودک و نوجوان منتشر شده بود. من و آقای حکیمی هیچ کتاب مستقلی در این زمینه پیدا نکردیم. بنابراین به عنوان اولین

گام مجبور شدیم به جای کار نظری، کار مرجع تألیف کنیم. اگرچه کانوس و حکیمی در حوزه «ادبیات» و «ادبیات کودک و نوجوان» از ۲۰۰ منبع نظری دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، تفسیر المیزان، دانشنامه ادب پارسی، ویژه‌نامه هنر داستان‌نویسی و... برای

کار خود استفاده کرده‌اند اما عدم وجود منابع مستقل در زمینه ادبیات دینی کودک و نوجوان آنها را به سوی تألیف این کار مرجع سوق داده است.

اما حسین ابراهیمی (الوند) که یکی از مترجمان کتاب شناخت ادبیات کودکان، گونه‌ها و کاربردها از روزن چشم کودک است، از منابع تئوریک‌ی حرف می‌زند که در خانه ترجمه کودکان و نوجوان وجود دارد اما مشکلات مالی مانع از انتشار آنهاست. به گفته این نویسنده و مترجم حوزه کودک و نوجوان این منابع تئوریک به روز و کارآمد در اختیار پژوهشگرانی که می‌دانند از آنها استفاده کنند قرار می‌گیرد اما متأسفانه به دلیل نداشتن بودجه از گسترش این منابع بازداشته شده است.

ابراهیمی می‌گوید: البته در زمینه‌های تئوریک مرجع‌هایی هم در دفتر مطالعات ادبیات داستانی هست که می‌تواند مورد استفاده پژوهشگران حوزه کودک و نوجوان قرار بگیرد. فریدون عموزاده، خلیلی مؤلف فرهنگ توصیفی شخصیت‌های داستانی نوجوانان، درباره منابع که توسط او و

حسین ابراهیمی (الوند): کار تئوریک مثل رمان نیست که ناشر بخواند و اگر خوشش آمد چاپ کند

۴ شهریور ۱۳۸۲
دوشنبه ۹ آذر ۱۳۸۲



موزه کودک

بنیاد پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان هم‌اکنون با اسنادی که در اختیار دارد قادر است که موزه تاریخ ادبیات کودکان ایران را راه‌اندازی کند. اما شرط اصلی این کار سه‌ساله مکان و امکانات مالی است به عقیده محمدمدی، هم‌مسئرتک بخش خصوصی را می‌طلبد و هم به مشارکت دولت نیاز دارد.

او می‌گوید، در مورد مکان موزه با میراث فرهنگی صحبت کرده‌اند ولی به نتیجه رسیدند آن یک پروژه طولانی است. در مورد امکانات مالی هم نظر من این است که از حمایت‌های خیرین مدرسه ساز استفاده کنیم. تعدادی از این خیرین می‌توانند به جای ۱۰مدرسه از ساخت یک موزه حمایت کنند.

۳۳سال آموزش فرهنگ نویسی

توران میرهادی یکی از مؤلفان فرهنگنامه کودکان و نوجوانان، که در کنار ایرج جهانشاهی و گروهی متشکل از داوطلبان فرهنگ‌نویسی، متخصصان کتابداری و اسنادان سادوه‌نویسی کار تألیف و جمع‌آوری را به آستانه انتشار سلد مهم رسانیده‌است، دربارهٔ گردآوری و استفاده از منابع برای شروع کار می‌گوید: ما در سال ۵۹ کار گردآوری منابع را آغاز کردیم. در ابتدا منبع واری انتخاب مدخل‌ها، عنوان مقالات جست‌وجو کردیم سپس کتاب‌های درسی، دایرةالمعارف فارسی و دایرةالمعارف اسلام به زبان انگلیسی (چون در آن زمان هنوز دایریم‌المعارف بزرگ اسلامی منتشر نشده بود) را برکنویسی کردیم و بر اساس تقسیم‌بندی الفبایی و موضوعی منظم کردیم.

پس از این مرحله گروه‌های تخصصی کارشناسی در رشته‌های مختلف به پای نویسنده‌گان فرهنگنامه آمده‌اند و با کار روی این برگ‌ها آنچه را که برای مخاطب ۱۰۱ساله ضروری و جامع بود انتخاب کردند.

از میان جهره‌هایی که در این بررسی به پای این گروه آمده‌اند می‌توان به دکتر سلفطعلی کردفرامرزى اشاره کرد که روی اسلام کار کرده‌است. دکتر بلوگانی نیز با کار روی مردم‌شناسی و دکتر حسن انوری با سامان دهی بخش ادبیات فارسی پارگیز این نویسنده‌گان بوده‌اند.

در سال ۱۳۶۱، ۵۰۰۰مدخل برای ۱۵ جلد فرهنگنامه در نظر گرفته شده‌است که طی این سال‌ها ۹ جلد آن منتشر شده و جلد دهم در آستانه انتشار است.

خاتم میرهادی می‌گوید، شانس بسیار بزرگ ما این بود که آقای جهانشاهی، آقای محمودی، آقای شریف‌زاده، خانم گزگن و آقای سعادت‌نابجریه وسیعی که در محلات بیک داشتند و پشتل‌های که در ساده‌نویسی کتب کرده بودند به پای ما آمدند و علاوه بر این از نظرات کارشناسی چون خانم انصاری، خاتم قول‌ایاغ، خانم عباد و آقای دکتر حری نیز استفاده کردیم.

اما آنچه که فرهنگنامه را از سایر کتاب‌های مرجع کودک و نوجوان متمایز می‌کند آموزش فرهنگ‌نویسی به نیروهای داوطلب است. خاتم میرهادی می‌گوید: آموزش فرهنگ‌نویسی ۱۰سال آغاز شده‌است و تا امروز ادامه دارد. آموزش نویسنده فرهنگنامه برای ما یک کار مداوم شده‌است و دائم‌ترین و کارگاه داریم.

اهداف

به جز کتاب‌های ترجمه شده در این حوزه که با توجه به ضرورت وجود منابع خارجی برای استفاده پژوهشگران و کودکان و نوجوانان منتشر شده‌اند، به‌وجود آوردن زمینه برای شروع فعالیت دیگران، به‌وجود آوردن منابع تازه، کمک به درک فلسفه ادبیات کودکان و آنگاه به فرهنگ تاریخ ایران از جمله اهدافی است که پژوهشگران و نویسنده‌گان کتاب‌های مرجع کودکان در این بررسی برنامبرند.

توران میرهادی دربارهٔ اهداف انتشار فرهنگنامه کودکان و نوجوانان می‌گوید:هدف ما به‌ویژه آوردن فرهنگنامه‌ای مستند، علمی، صحیح و منظم به فرهنگ و تاریخ ایران بود که بازگوکننده باشد کودکان و نوجوانان ایرانی بتوانند بدون کمک بزرگتر از آن استفاده کنند. به دلیل بودن بزر فرهنگ و تاریخ کشور، بیش از نیمی از مقالات ما راجع به ایران است یعنی از دید اجتماعی و علمی به ایران مربوط است. بنابراین مخاطب ایرانی برای ما مطرح است و عقیده داریم که باید بگذاریم بچه‌های این سرزمین بربال فرهنگ خودشان پرواز کنند.

میرهادی که عمی را بر سر اعتلای ادبیات این سرزمین گذاشته‌است با تأسف بسیار از حذف تأثیرات اسلام بر فرهنگ و تاریخ سرزمین‌های اروپایی حرف می‌زند.ومی‌گوید:منابع خارجی معمولاً نام سه فرهنگ اسلامی را از تاریخ خود حذف کرده‌اند و دچار یک پریشی سنتی فرنی هستند و از یونان باستان یک‌بار به فرن مفدهم می‌روند!

نایدید گرفتن فرهنگی که در کشورهای اسلامی به‌وجود آمده و وسیلهٔ آشنایی اروپاییان با فرهنگ اسلامی و حتی فرهنگ یونان باستان بوده‌است، نویسنده‌گان فرهنگنامه را بر آن داشته‌است

که با پر کردن این خلأیست فرنی، تصویر صحیحی را به بچه‌های سرزمین خود ارائه دهند.

مهدی کاموس با توجه به تولید انبوهی از کتاب‌های دینی کودک و نوجوان که در ۲۵سال اخیر به چاپ رسیده‌است، به نود منابع تئوریک در این زمینه اشاره می‌کند و می‌گوید:اولین و مهمترین هدف ما به وجود آوردن منبعی در زمینه ادبیات دینی کودک و نوجوان بود که چکیدهٔ ادبیات و دین در این حوزه باشد. در دو جلد این کتاب دسته‌بایه‌های داستانی زندگی امامان پیامبران، عارفان و… معرفی شده که برای تولید داستان مورد استفاده نویسنده‌گان کودک و نوجوان قرار بگیرد.

او اضافه می‌کند:ما در مورد مرجع بودن کتاب ادعای نداییم اما هدف ما این بود که اگر علاقه‌مندان حوزه کتاب‌های دینی کودک و نوجوان به این کتاب رجوع کنند، قطعاً موضوعات مورد نظر خود را در آن پیدا کنند.

اما جمله‌های محمدمدی درباره اهداف انتشار تاریخ ادبیات کودکان ایران می‌گوید، در وهله اول می‌خواستیم، به درک فلسفه ادبیات کودکان کمک کنیم. جامعه ادبیات کودکان ما در حال گذار از مرحلهٔ حین به مرحلهٔ نظریه‌پردازی است.تألفسه و هویت خود را شناساند. اما بدون استنادات تاریخی نمی‌تواند خود را شناساند. در مرحله بعد باید بگویم که ما نه‌تنها تاریخ ادبیات کودک، بلکه تاریخ آموزش و پرورش باستان را هم بررسی کردیم. بنابراین دومین هدف ما کمک به آموزش و پرورش امروز ایران نیز بود. نویسنده مقدمه بر ادبیات کودک نیز با تأکید بر جزء اول نام کتاب خود می‌گوید: مهم‌ترین هدف ما به‌وجود آوردن یک زمینه برای شروع فعالیت دیگران بود چون معتقدم تا زمانی که مفهوم کودکی امروزه بررسی قرار ندهیم، هر نوع فعالیت ادبی یا غیرادبی برای بچه‌ها ناکام می‌ماند.



اما عموزاده خلیلی درباره اهداف فرهنگ توصیفی شخصیت‌های داستانی نوجوانان هدف اولیه کار خود را بررسی و اولویت بندی کلیه شخصیت‌های داستانی نوجوانان ذکر می‌کند.

او می‌گوید، در بررسی‌هایی که با دوستان داشتیم به این نتیجه رسیدیم که یکی از کاستی‌های ادبیات داستانی ما مصعب‌دو آفرینش شخصیت‌است. به عقیده خلیلی این شخصیت‌ها هستند که داستان را ماندگار می‌کنند و حتی در داستان‌های حادثه‌ای نیز این شخصیت‌ها هستند که در ذهن ماندگار می‌شوند. بنابراین دیگر هدفی که برای این فرهنگ در نظر گرفته شده‌است، ارائهٔ ماندگاری و اثرگذاری شخصیت‌هاست و این اثرگذاری ملامک گرینش شخصیت‌های این فرهنگ قرار گرفته‌است.

هدف دیگر خلیلی و گروه همراهش ارائه یک فرهنگ توصیفی از ۲۰۰ شخصیت بر تن داستان جهان بوده‌است تا تلنگری برای داستان‌نویسان باشد و به جای شخصیت با انبیهٔ داستان نویسنده.

تجربه‌ها

پژوهش در حوزه کودک و نوجوان و تألیف با تجربه کتاب‌های مرجع با توجه به نبود منابع مالی و حمایت از سوی نهادهای ذیربط، پژوهشگران را با دشواری‌هایی روبه‌رو کرده‌است. از سوی دیگر تجربه‌های بعضاً ناموفق کار گروهی در ایران که در بیشتر حوزه‌ها رخ می‌نماید، عامل دیگری است که پژوهشگران با آن دست و پنجه نرم می‌کنند.

حیدررضا شانه‌آبادی که کار پژوهش خود را به تنهایی انجام داده‌است تجربیات خود را در تألیف کتاب مرجع دیگری برهم‌شمارد. پیشه کردن یک روش شناسی درست در تحقیق از مهم‌ترین تجربیات من بود. تلاش کردم که نحوه درست استفاده از منابع و ذکر آنها را به کار گیرم و شیوه برخورد با موضوع و

منابع به‌شیوه انتقادی باشد. ارائه اسناد و مدارک و متکی نبودن به پیش‌فرض‌های کلی درباره موضوع را از تجربه‌های دیگر خود ذکر می‌کنم و معتقد است که محقق نباید تحقیق خود را در خلأ آغاز کند.

مهدی کاموس و محمود حکیمی که کار خود را بدون کمک گرفتن از دیگران انجام داده‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که عدم امکان کار گروهی پژوهشگران راوادار می‌کند که از ایده‌آل‌هاشان عقب‌نشینی کنند. کاموس می‌گوید که کار وسیع برای دو نفر بسیار طاقت‌فرساست و مایس از انجام کار به این تجربه دست پیدا کردیم که اگر دروجه در اختیار گروه‌های پژوهشی باشد و بتواند در انجام مراحل تحقیق از باری گروهی از پژوهشگران استفاده کند کارشان بهتر پیش می‌رود.

تجربه‌ها و نتایجی که کاموس از انجام کار به دست آورده‌است در همین حد خلاصه نمی‌شود. بی بودن به ضرورت وجود پژوهشکده‌ای برای ادبیات دینی کودکان و نوجوانان که به نقد و بررسی، معرفی و دادن اطلاعات و خدمات به نویسنده‌گان کودک و نوجوان بپردازد، یکی از این نتایج است. ضرورت تألیف دانشنامه‌ای که به معرفی آثار دینی کودک و نوجوان بپردازد، عدم آگاهی بسیاری از نویسنده‌گان کودک و نوجوان از این منابع دینی و دانشناسی رشد دینی کودک، عدم وجود پژوهش‌های آماری در زمینه ادبیات دینی کودک و… از جمله دیگر نتایجی است که کاموس و حکیمی به آن رسیده‌اند.

کاموس درباره طرح موضوعات اسطوره‌ای برای نوجوانان معتقد است که چون نوجوانان انتراسی می‌دیندند طرح مباحث اسطوره‌ای برای آنان می‌تواند آسیب جدی به ادبیات دینی وارد کند. او مشکلات نویسنده‌گان کتاب‌های دینی کودک و نوجوان را در سه زمینه مطرح می‌کند و می‌گوید: برخی از مبلغان دینی



برای کار تبلیغ ادبیات را انتخاب می‌کنند و چون شناخت کافی از ادبیات ندارند، در تولید ادبیات دینی دچار مشکل می‌شوند و با طرح برخی مطالب غیرحتمی، غیر عقلانی و غیر کارآمد آسیب جدی به ادبیات این حوزه وارد می‌کنند.

او درباره دو گروه دیگر می‌گوید:بعضی از نویسنده‌گان ادبیات را می‌شناسد اما از جنبهٔ مبنایی دینی و مراحل رشد دینی کودک و نوجوان درک صحیحی ندارند. گروه دیگر نیز دین و ادبیات را می‌شناسند، کودک را نمی‌شناسند. بنابراین ما به این نتیجه رسیدیم که بخش زیادی از کتاب خود را به تعریف صحیح این عناصر اختصاص دهیم.

اما ابراهیمی (الوند) و عموزاده خلیلی کار گروهی را سخت‌ترین کارها می‌دانند.

عموزاده می‌گوید، آفرینش را بخوانید در زمینه کار تخصصی پژوهشی خود، آنگذر مشکلات زیاد و پیامدهای تویع وسیع و گسترده بود که طریق علاقه‌مندان به کار، در واقع تجربه مثبتی از این فضا نیست.منش به هر حال کار خیلی پرزدمتری بود، بخصوص وقتی که پژوهش به‌صورت تیمی و گروهی انجام شود!

این نویسنده کودک و نوجوان درباره تجربه مثبتی که در این عرصه کسب کرده می‌گوید: عرصه ادبیات داستانی آنگقدر عمیق و گسترده‌است که در هر زمانی و با هر زوایه دیدی وارد آن شوید، باز هم می‌توانید تجربه‌های تازه‌ای پیدا کنید.

ابراهیمی (الوند) نیز معتقد است که کار گروهی در ایران از سخت‌ترین کارهاست. به دلیل مشکلاتی که برای گروه همکار او پیش آمده، برخی از آنها را پذیرفتن پیشنهاد کتاب جدید ا دارند. اما چشمانی که برای هماهنگ کردن مطالب و بحث‌های لغوی تشکیل شده، تجربه به‌مثبتی برای ابراهیمی و همکارانش بوده‌است. او می‌گوید، کار تئوریک مثل زمان نیست که ناشر بخواهد و اگر خوشش آمد چاپ کند. شما وقت زیادی هم می‌برو، هزینه‌بر نیز



شماره ۲۱۲
پوشش ۹ آذر ۱۳۸۲
www.rahman.org



کتاب، کودک و نوجوان

مهندس.

به عقیده او اگر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مؤسسات دولتی و غیردولتی که سال‌ها مالی نپرداخته‌اند چنین پروژه‌های حمایت‌کننده بسیاری از مبالغ از جلوی پای پژوهشگران برداشته می‌شود توران میرهادی که با توجه به حجم کار و مدت زمانی که به فرهنگنامه و آموزش فرهنگ‌نویسی اختصاص داده است، تجربه مثنی از کار گروهی دارد و می‌گوید: می‌توانم بگویم که در طی مدتی که کار کردم با روزی روزی بیشتر به کار خودمان معتقد شدیم. زیرا درست است که کتاب‌های مرجع مرزناشان نیستند اما هر کس که کتاب مرجع هر کشوری را می‌نویسد، فرهنگ، تاریخ و محیط طبیعی همان کشور برایش مطرح است. بنابراین این تجربه را کسب کردم که فرهنگنامه‌ها نباید ترجمه شوند چون جواب نیازهای بچه‌های این سرزمین را نمی‌دهند.

محمدحادی محمدی نیز درباره تجربیاتی که در راه تألیف تاریخ ادبیات کودکان ایران کسب کرده است می‌گوید: دیروز داشتم با خودم فکر می‌کردم که تجربه‌های ما خیلی گران بود چرا که کار سنگین پژوهشی در جامعه‌ای مثل جامعه ایران با توجه به کم بودن منابع مالی پژوهش، خیلی سخت است. در جایی که هزینه‌ها به شیوه راست دولتی و رابطه به پژوهش‌ها اختصاص داده می‌شود کار پژوهشی آدم را با آه و حسرت رویه‌رو می‌کند. زمانی که کار را شروع کردم نمی‌دانستم چقدر همین است. بنابراین ما فشار زیادی را متحمل شدیم چون علاوه بر پژوهش باید هزینه‌های مالی آن را هم تأمین می‌کردیم. او می‌افزاید: متأسفانه جامعه ایران نسبت به حوزه پژوهش خیلی خوشرو است و به طور کلی جامعه بازاروری نیست. در صنعت هم به تولیدکننده اهمیت نمی‌دهند. همین اهمیت قائل شدن برای کارهای پژوهشی می‌تواند افرادی را که به سراغ چنین کارهایی می‌روند از پا بیاورد.

او به این نتیجه رسیده است که نهادهای دولتی مثل کانون آموزش و پرورش می‌توانند با تأمین هزینه‌های مالی پژوهش‌هایی از این دست، بر حوزه پژوهش اثرگذاری مثبتی داشته باشند اما اضافه می‌کند: متأسفانه این نهادهای پژوهشی برای برتر جایزه می‌گذارند ولی از خرید آنها با دارند. این کارها زمان آدم را می‌برد. منبع مالی باید تأمین باشد تا پژوهشگران بتوانند کار کنند. این سال ما با ۱۵ نفر در تهران و شهرستان‌ها کار کردیم. اگر ما رشد کرده‌ایم، آنها هم رشد کرده‌اند. ما پایه‌های هم رشد کردیم و یاد گرفتیم و هر لحظه‌ای برای ما آموزنده بود.

برای توزیع چه گره‌هایی شده است؟

عدم حمایت نهادهای دولتی، بی‌مهری توزیع‌کنندگان به کتاب‌های مرجع، جا بیفتادن اهمیت موضوع پژوهش و گران بودن کتاب‌های مرجع، از جمله دلایلی است که توزیع کتاب‌های محمدحادی محمدی معتقد است که آموزش و پرورش در

اولویت تهیه کتاب‌های مرجع، کوکوک و نوجوان قرار دارد. برگزاری هر ساله ۴۶ هزار نمایشگاه در ۲۶ هزار مدرسه می‌تواند محصل خوبی برای ارائه این کتاب‌ها باشد. اما مایه‌ای ارائه گامی است که این نمایشگاه‌ها با مشکلات زیادی مواجه شدیم و حتی یک نسخه از کتابمان را نیز نتوانستیم به آنها ارائه دهیم.

حسین ابراهیمی نیز معتقد است که بخش کتاب‌های مرجع مشکل است چراکه دامنه مخاطبان آن گسترده نیست. او تنها راه بخش و فروش این کتاب‌ها را خریداری آنها برای کتابخانه‌های مدارس، دانشگاه‌ها و... می‌داند. او همچنین به پیشنهاد سید علیمحمد رفیعی درباره این کتاب‌ها اشاره می‌کند که در یکی از شماره‌های کتاب داد کوکوک و نوجوان ارائه شده است. رفیعی پیشنهاد کرده است که مراکزی که قدرت خرید دارند کتاب‌های مرجع را خریداری کنند و به مؤسسات‌های مختلف به پژوهشگران و نویسندگان کوکوک و نوجوان هدیه کنند.

عوضزاده خیلی‌تیز بر بی‌مهری توزیع‌کنندگان نسبت به کتاب‌های مرجع تأکید می‌کند. این شرکت‌ها به دلیل فروش رفتن این کتاب‌ها از برعهده گرفتن توزیع آنها حذر می‌کنند. او می‌گوید که در مورد توزیع کتاب فرهنگ توصیفی شخصیت‌های داستانی نوجوانان فقط با شرکت کتاب‌گستر به نتیجه رسیده است و این شرکت در بخش نسخه‌های خریداری شده خوب عمل کرده است اما سایر شرکت‌ها شامیلی به این نوع کتاب‌ها ندارند.



مدرسری پیدا کنند.

اگر امروز شروع کنید...

با وجود همه موانع و مشکلاتی که بر سر راه فعالیت‌های نویسندگان و مترجمان کتاب‌های مرجع وجود دارد، دهره‌وران این راه‌های نامنور همچنان تلاش می‌کنند تا انتشار را در این حوزه سرپا نگه دارند. محمدی با کار طاقت‌فرسای پژوهش، تأمین مالی از مهم‌ترین عواملی می‌داند که سبب ادامه راه فعالان این عرصه می‌شود. اما عدم تأمین منابع مالی مانع از ادامه کار او و هم‌راهانش نشده است و آنها اگر امروز هم قرار باشد کار خود را آغاز کنند از انجام آن شانه خالی نخواهند کرد.

در حوزه کتاب‌های ترجمه رفتن به سراغ کتاب‌های تازه به جای انتشار ویرایش‌های جدید، ترجیحی است که توسط اشخاصی مانند حسین ابراهیمی مطرح می‌شود.

اما محمدحادی‌شاه‌آبادی می‌گوید: اگر امروز می‌خواستم کار را شروع کنم، شاید اگر فرصت بیشتری داشتم منابع بیشتری را بررسی می‌کردم. حتماً سخن موجز اثر باعث شده است که در شروع می‌کردم تفسیر را بیشتر می‌کردم و مصداق‌های بیشتری را هم بر می‌زورم.

مهدی کلموسی نیز تأکید می‌کند: تجربه‌های خانوادگی و شوق‌های محدود حکمی می‌گوید: امروز دیگر جرات نمی‌کنم بدون وجود یک پژوهشگاه کار تحقیقی انجام دهم چون به منابع کافی در اختیار دارم و نه تعریف آکادمیکی از ادبیات کوکوک و نوجوان ارائه شده است.

اما میرهادی در این باره می‌گوید: من واقع بین هستم! با تجربه‌ای که من اکنون در زمینه نوشتن، ویرایش، آموزش و تحقیق دارم، فکر می‌کنم با پشتوانه مالی می‌شود سرعت کار را بالا برد و دوطرفان کار را نگه داشت. دایره‌المعارف یک داستان می‌باید است. کار بریتانیا ۲۰۰ سال پیش شروع شده و هنوز هم ادامه دارد. کاری نظیر فرهنگنامه کاری نیست که آدم یک بار انجام دهد و تمام شود. اما اگر داوطلبانه باشد کند پیش می‌رود. فکر می‌کنم آلا زمان آن رسیده باشد که یک ارگان از کل کار حمایت کند تا به ویرایش‌های بعدی برسد.

فیروزان عوضزاده خیلی‌تیز می‌گوید: اگر آلا می‌خواستم کار را شروع کنم، با تعجب‌ناظر در شیوه کار و تنظیم برنامه زمانی کار می‌کردم و چپ‌سپا پیش می‌رفتم از فرزند من ابتدا به چاهی فکر می‌کردم که باید برای پنهان کردن آن یکم‌ایم توزیع خیلی کار مهمی است و پیش از انجام کار باید برای بخش‌های آندبشید و با گفت‌وگو و تعامل به نتیجه رسید.

کلموسی خرید هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی را کافی نمی‌داند و هشدار می‌دهد: یکی از دلایل فروش رفتن کتاب‌های مرجع گران‌تر بودن آنها نسبت به دیگر کتاب‌هاست. او و محمود حکمی به این نتیجه رسیده‌اند که یک چک‌بده یک جلدی برای کتاب خود تهیه کنند که خرید آن برای مخاطب آسان‌تر باشد. او می‌گوید: نهادهای مرجع نسبت به یک کتاب مرجع چندجلدی واکنش لازم را نشان نمی‌دهند بخصوص نهادهایی مانند بنیاد شهید، امور مساجد کل کشور و سازمان فرهنگی-هنری شهرداری که به دلیل داشتن کتابخانه‌های متعدد مسلماً به یک کتاب مرجع ادبیات دینی نیاز دارند.

اما حمیدرضا شاه‌آبادی دلیل خوب نبودن بازار این نوع کتاب‌ها را جایافتادن موضوعات تئوریک برای نویسندگان کوکوک و نوجوان و دانشجویان می‌داند. او می‌گوید: ما نویسندگان تئوریک

که احساس کنند نیاز به آموزش تئوریک دارند چراکه فکر می‌کنند در عرصه ادبیات کوکوک و نوجوان همه چیز باید حسنی باشد بنابراین برای کسب اطلاعات تخصصی به کتاب‌های مرجع مراجعه نمی‌کنند.

او ادامه می‌دهد: ما فعلاً ناگوریم نویسی، چاپ کنیم و شایعه فروش نایبیم تا زمانی که فائده به وجود بیاید و جامعه اهمیت موضوع را بیابد. خوشبختانه در سال‌های اخیر شاهد انتشار کارهای خوبی اعم از ترجمه و تألیف در این حوزه هستیم و که نوید آینده خوبی را می‌دهد.

اما هیأت انتشار فرهنگنامه با توجه به خلأ بخش کتاب‌های مرجع، از بدو آغاز کار خود در شورای

کتاب کوکوک گروهی به نام گروه ترویج فرهنگنامه به وجود آورده‌اند که با دعوت مدارس فرهنگنامه و روش استفاده از مدخل‌های آن را به بچه‌ها معرفی می‌کنند.

کاتب میرهادی معتقد است که کتاب مرجع را باید شناساند و نمی‌شود برای آن تبلیغ کرد و گروه ترویج فرهنگنامه می‌تواند بچه‌ها و معلمان مدارس را از طریق فعالیت‌های خود با کتاب‌های مرجع آشنا کند. از نسبت به تغییر نگاه آموزش و پرورش به کتاب‌های مرجع کوکوک و نوجوان خوشبین است و می‌گوید: با توجه به تغییراتی که در سیستم آموزشی به وجود آمده و چپ‌ها را به سوی تحلیف سوق می‌دهد، توجه آموزش و پرورش روز به روز نسبت به کتاب‌های مرجعی نظیر فرهنگنامه بیشتر می‌شود.

اما آزوبی او این است: آرزو دارم که نهادی در آموزش و پرورش فرهنگنامه را با شمارگان خیلی بالا چاپ کند تا به تمام مدارس ایران برسد و بچه‌هایی که این کتاب مرجع برای آنها نوشته شده است، در هر جای ایران که باشند بتوانند به آن



شماره ۹
دوشنبه ۹ آذر ۱۳۹۳



ثریا قزل‌ایاغ



در روزنامه‌مقاله دوران نوجوانی مرحله کمال میزان خواندن و تغییر در الگوهای آن تلقی می‌شود. رشد جسمی سریع و گنج‌کنندهٔ عدم ثبات شخصیت نرود، تراژد شخصیت اجتماعی، عدم کنترل بر عواطف و احساس‌ها، نیاها و علائق گدگ‌گونه‌ای را بروز می‌دهد که حرف‌های تازه را در قالب‌های نو جست‌وجو می‌کند. نوجوان با سؤال‌های گوناگونی در مورد خود، دیگران، محیط، روابط انسانی و اجتماعی بخصوص روابط عاطفی روبه‌روست که جست‌وجو برای یافتن پاسخ‌های روشن و شفاف می‌تواند آنگونه قوی‌تری وارد او شود و به مطالعه باشد. در این فرست آنگ مجال آن نیست که به نمانی گستره ادبیات نوجوان بپردازم بلکه تنها نگاهي گذرا خواهم داشت به ادبیات داستانی بخصوص رمان نوبسی برای نوجوان در چند سال اخیر.

از خانواده و گروه همسالان تا جامعه بزرگ‌تر را می‌توان در رأس تمام دفعه‌های نوجوان دانست؛ نوجوانی که از صفات مشخصه او آرمان‌گرایی، تنوع‌طلبی، لجام‌گسیختگی در عواطف و احساس‌ها و استقلال‌طلبی و حیث‌گرایی است. او هیجان و ماجراجویی را دوست دارد و از نیکوکاری و محرومیت می‌گریزد. نوجو و نواز است و می‌خواهد جهان را با تجربه‌های مست‌الزا، خردگشده کند و به سختی به عینک انتقادی خود متکی است و بی‌رحمانه در مورد بزرگان‌لا و رفتارها و رفتارهای آنها به فحشوات می‌نشیند. چابکیت‌ها و قابلیت‌های ادبی داستان بخصوص رمان به حدی است که می‌توان از خلال آن نوجوان را به طور طبیعی و پاراپژنوی در تجربه‌های استثنایی حیات آدمی سهم کرد و او را به یافتن پاسخ‌های قانع‌کننده سؤال‌های بی‌شمارش ترغیب نمود.

در دو سال اخیر خصوصیت در هیأت داران جایزه مهرگان ادب کودک و نوجوان فرصت خوبی بود برای مطالعه عمیق‌تر ادبیات داستانی تألیفی نوجوانان بخصوص رمان و حاصل آن نگاه‌ها و شاهد مثال‌هایی است که سهمی شدن در آن برای علاقه‌مندان نمی‌تواند خالی از فایده باشد. نکته مثبت تلاش و مداومت بی‌وقفه نویسندگانی است که در جست‌وجوی راه‌های تازه‌ای برای خلق ادبیات مناسب ویژگی‌ها، نیازها و علائق نوجوانان هستند و در این رابطه پرداختن به عشق و ابعاد عاطفی و روانی رابطه‌های انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است ولی باید اذعان داشت که هنوز هم جای خالی آثاری برجسته در این زمینه مشاهده می‌شود.

در داستان‌هایی با درونمایه‌های عاطفی و عاشقانه هنوز هم سعی می‌شود از پرداختن مستقیم به این مقوله پرهیز شود یا به اصطلاح عشق زورده شود یا آنچنان آن را در قلمت تبدیل‌حق و معناداری غیر ضروری بیچسبند که آنچه نمودار می‌شود به کم‌رنگ‌ترین شکلی تنها نمادی از عشق باشد نه خود عشق. برنوا مثال در هارون و دریا عباس جهانگیران تصویرهای ذهنی نورانی حدودی شاعران و ریاضشاری بر پایداری و صداقت در مهوروزی دیده می‌شود ولی شخصیت‌پرداخت کافی نمی‌شوند و اثر خود را در چارچوب قصه محسوس می‌کند. حتی تفریبا و شاعرانه و ایجاز آن هم نمی‌تواند کاستی عمده آن را در پرداختن شخصیت‌های اصلی جبران کند.

در امیرطغرل کلمات امید آگیزه‌برده هم را شدن رادی قصه با خندنگری چشمی و توسیع‌دهی زیاد او رومهدلی بین این دو نشانی است و آتش زیر خاکستر که جیجک‌ها به شفافیت از آن سخن به میان آورده‌اند بی‌شود.

بافر قلب زبای باور خائیان نویسنده، استفاده از طرح قصه در قصه، غیرمستقیم به داستان عشق گهورد و خرابی می‌پردازد و آن را در لایه‌های افسانه‌گونه‌ای می‌پیچد که هرچه بیشتر آن را از فضاهای حایل و امروز به در بره و به گونه‌ای تلوخی رد آن را در فرارونی زمان گم کند.

شاید تنها تلاش موفق در به چالش کشیدن عشق را بتوان در

تا نر به خشک‌گرایی کرمانی دیده که مستقیم و رو در رو نوجوان را

با تردیها و دغدیه‌های عاطفی آشنا می‌کند.

در شی که جراسنگ خواندن نویسنده سعی می‌کند به شفاف‌ترین شکل ممکن روابط عاطفی ماهی و نامرزش را در پس‌زمینه جنگ که می‌تواند انسان‌ها را از مهوروزی دور کند، بیان

کند حتی اگر درونمایه اصلی رمان عشق نباشد.

در ایجاد نویسد باآزاد شوم که نیمنی از نوجوانان ما را دختران تشکلی می‌دهند که برخاستن به زندگی آنها در زمان‌ها و داستان‌ها خود هنوز یک خط قرمز ناگشایه دیده است، چه رسد به پرداختن

به مسائل عاطفی و احساسی آنها.

محمدرضا یوسفی از نویسندگانی است که به این نیاز توجه خاصی از خود نشان داده و در رمان‌های متعدد خود به زندگی دختران پرداخته است. در گواهی قانع‌ه زندگی دخترانی مطرح می‌شود که بدون در نظر گرفتن عواطف و احساس‌هاشان ملل یک شیء یا برده جنسی به مردان پسر فروخته فروخته می‌شوند، بی‌آنکه کسی به سرلجام آنها اندیشه کند. حتی نزدیکترین کنش‌هاشان پایان سوزانده داستان که محظوظی است از قانع و مرگ بر این حکم می‌دهد که گهورد، راه رومندان، به عشق برای دختران بند از دروازه مرگ بگذرد. در جعل کلمات بهم ریخته سورینا محمودی با زندگی دختران فراری رویه‌رو هستیم که در نهایت کمبودهای عاطفی به جرم آنکه دمی بر سر گل‌ها نشسته‌اند، در شمت طفل بازیگوش زمان چنان فشرده می‌شوند که در نوجوانی چون زنان فیاضیه در کانون اصلاح و تربیت از آرزوهای سوخته خود سخن می‌گویند.

مانسقانه وجود شخصیت‌های متغعل دختر در اقلب رمان‌های نوجوانان درسد از آره‌دهدای غیرعاطفی است و گاه از حذف آن

در دناک است و دست و پا بسته و نظاره‌گر. رمان‌های نوجوانان گورته از جنگ هنوز هم درسد قابل‌اعتنایی از حکم خودشان را با تجربه‌های مست‌الزا خردگشده کند و به خطرات از وارد شدن به عرصه مهوروزی و عشق است. ولی مانسقانه هنوز هم الگوهای غالب در ایگونه رمان‌ها، گلشده‌ها و افعیت گریزی را یکسورنگی، شمار و تبلیغ است بی‌آنکه به عمق اثرات جنگ در زندگی نوجوانان نزدیک شود، یا وجود قابل‌اعتنا بودن کبیت ایگونه آثار، تا دست یافتن به کبیتی جذاب و پرکشش و در عین حال عمیق و تأثیرگذار راه درازی باید طی شود.

در اقلب این آثار شخصیت نوجوان حضور دارد ولی گرایش رادی بزرگان‌ها است و از رازینه دید و تجربه‌های بزرگان‌لا به جنگ نگاه می‌شود و اگر مطمئن هم نباشند، گسل گشده و فاقد جذابت است. نوجوانی خللاک‌لا از خانه یا مرکز بازیگوشی یا کانون اصلاح می‌گریود سر از جبهه در می‌آورد. قابلیت‌های خود را نشان می‌دهد، تطهیر و احیانا شهید یا مجروح می‌شود. لگوپی دستمندی شده است که ظاهر بیشتر نویسندگان دوست دارند خطا بودن آن را خود شخصاً تجربه کنند. نمونه قابل‌اعتنایی که از نظر درونمایه و ساختار و شخصیت‌پردازی و بکار گرفتن نمادهایی کفر برانگیزه به ساختار شکنی و گلشده‌سبیزی تحسین برانگیزی دست یافته است،

«طی که جراسنگ خوانده» است که زندگی میلو پسر نوجوان خرشهری با عورسی همگام در چند ساعت قبل از سقوط خرشهر در محرومیت تلق او در شان‌دهاش ترسیم می‌شود. در این ترمیچکس قهرمان نیست، ترسی همای شخصاته، عشقش به موزات و طفله و ضعف‌شانه به شانه قدرت روحی مورد شناسایی قرار می‌گیرد. روال داستان طبیعی و پاراپژنوی است و در عین حال پرکشش و ماجراجوی با پایانی گشوده برای ادامه ماجرا در ذهن خواننده.

بخش دیگری از رمان‌های نوجوان در سال‌های اخیر به رمان‌های تاریخی اختصاص یافته است. رو آوردن به پس‌زمینه‌های تاریخی به صورت زندگینامه‌های ادبی را می‌توان به فال‌تیک گرفت

زیرا زندگینامه‌ها رمان‌های تاریخی به خودی خود ساختاری روانی و داستان‌گونه دارند. فضاهای تاریخی ظرفیت‌های نامنایی برای خلق رمان‌های جذاب و تریسین و ماجراجوی دارند. مشروط بر آنکه مرز بین رمان و تاریخ به درستی شناخته شود. رمان تاریخی نیازمند درک صحیح از ظرف زمان و مکان و گویش، قوای‌های مناسب تاریخ برای سهمی شدن، طرح‌الطیق هنر همدانه و قصاسازی و زبان و بیانی برای پرکشش مرتبط با زمان و مکان است. این گونه ادبی می‌تواند پاسخگوی روحیه تنوع‌طلب و ماجراجویانه و نوجوی نوجوانان باشد. نویسندگان نباید فراموش کنند که رمان تاریخی از به رشته کشیدن رویدادهای تاریخی حاصل نمی‌شود بلکه ابتدا باید با توجه به ظرفیت‌های هنری و ادبی یک رمان باشد سپس به سندیت تاریخی پرداخت.

در این زمینه تلاش‌های آتیو صالحی در داستان‌های بهرام و گورید و بیژن و منیژه و حسین و حماسه مباری و زندگی اردشیر بابکان کار محمدرضا یوسفی تلاش‌های موفق و قابل‌اعتناست هر چند خالی از ایراد و اشکال نیست. ایجاد توازن بین ارضاط و وقایع تاریخی یا روایت داستانی از ایراد و اشکال نیست. ایجاد توازن بین

ارضاط و وقایع تاریخی با روایت داستانی، ساختارهایی نو در استفاده از نماندها و متعل‌ها، گریش درست وقایع، استفاده از ایجاز و استفاده از تزییری زیبا و شاعرانه نشانه‌های مثبتی در استفاده از این گونه ادبی است.

در داستان‌های نوجوانان استفاده از الگوپی قصه‌های کهن همواره پدیده‌ای متداول بوده است ولی آنچه در سال‌های اخیر به شکل‌های گوناگون نمود یافته است، ایجاد نوعی گفت‌وگو با شاهکارهای ادبیات کودک‌ان جهان است. به طوری که در سال ۱۳۸۲ به تنهایی پنج اثر خاص نوجوانان با استفاده از الگو، نمادگرایی و شخصیت‌پردازی داستان مشهور شازده کوچولو به چاپ رسیده است. این شیوه نو به خودی خود می‌تواند ضد‌علاقیت باشد نه اینکه سبب اعتبار اثر شود. اینکه پای داستانی را به میان بگیریم و از عوامل حضور آن در داستان خود بهره بگیریم بی‌آنکه خود عمیقاً به ترک مسیحی از لایه‌های نهان اثر و نماندهای به کار گرفته شده توسط نویسنده اصلی دست یافته باشیم، نقض فرعی روشن است. خیال‌گرایی و ام‌گرینده باید با خیال‌گرایی نویسنده اصلی تناسب داشته باشد حتی اگر نویسنده اثر جدید بخوهد از جنبه‌های نقلی اثر نه



البانی آنها بهره بگیرد.

در هزار و یک سال شهریار متمدنی‌پور سفر از فضا به زمین و عبور هفت مژگان را داستان شازده کوچولو نام می‌گذرولی نمادهای و نشانه‌های به کار گرفته در خدمت آندیشه فلسفی و اجتماعی نویسنده است و از نمادهای شازده کوچولو فاصله می‌گیرد. ضمن آنکه علاوه بر قصه‌پردازی نو و جذاب و خلق شخصیت‌های پارادیدی مرهانی تا زوری ادبی را گسترش می‌دهد، به خلق زبان ادبی کشش و جذابانه و ایجاد گریزی موفق می‌شود که تطبیقی است از زبان افسانه‌های کهن و ادبیات امروز.

ختم کلیم این که تنوع موضوعی در رمان‌های نوجوانان در سال‌های اخیر و پرداختن به مسائل مهم اجتماعی که مستقیماً به زندگی نوجوانان ارتباط دارد مانند فرار از خانه، آوارگی، مرگ عزیزان، جنگ و… می‌تواند نشانه گشایش در حلقه مسدوده موضوع‌های تکراری و تکیل‌کننده باشد.

از نظر ساختاری نیز شاهد دگرگونی‌های جالبی هستیم. نویسندگان با استفاده از ساختارهای آوارده نظیر جریان‌سال‌نهم، تغییر در رادی، قصه در قصه و فضا و پایان‌ها داستان‌بر حالت‌های رمان‌های نوجوانان می‌افزایند و درازنای تجربه‌های ادبی آنها بسیار مژو واقع می‌شوند.

ظرفیت جایگاه بندی در ساختار رمان‌های نوجوانان دارد. طغر زبای مرادی کرمانی در مثل شب چهارده که به کالبد شکافی رفتارهای اجتماعی لایه‌های گوناگون مردم بخصوص بزرگان‌لا می‌پردازد، طری که هم در کلیم و هم در طرح‌های هزمدانه آن دیده می‌شود. طغر ترام باغراق و چنبلهوی اگزیپور در من توگرام نیستم و طغر اجتماعی و انتقادی مجید نوایی در زندگی برای خواب، آنچه خود در سال اخیر در اختیار نوجوانان ایرانی قرار دارد، در یک ارزیابی کلی افر روشن و چشم‌انداز امیدوارکننده‌ای را پیش روی خواننده می‌گشاید. رمان نوجوانان وارد راد دست قرار می‌دهد و این نوید را می‌دهد که در سال‌های نهم‌های مقاله‌م، نوجوانان ایرانی نیز آنگونه قوی برای ادامه خواندن ادبیات داستانی و پیوستن به جریان مقاله‌م آثار ادبیات داستانی بزرگان‌لا پیدا کنند.

آنجبه در دو سال اخیر در اختیار نوجوانان ایرانی قرار دارد، در یک

ارزیابی کلی افر

روشن و چشم‌انداز امیدوارکننده‌ای را

پیش روی

خواننده می‌کشاید

و رمان نوجوانان را

در راه درست

قرار می‌دهد



نگار پدram

کتاب، کودک و نوجوان

اواخر دهه ۶۰ که کتاب‌های خوب کودکان و نوجوانان تنها توسط انتشار پرورش‌فکری کودکان و نوجوانان، منتشر می‌شد، پنج مؤسسه دولتی و نیمه دولتی، تصمیم گرفتند، بخش خصوصی نشر کتاب کودک را فعال کرده و به چاپ کتاب‌های مناسب برای بچه‌ها بپردازند. ابتدا هر کدام از آنها یک نشر خصوصی تأسیس کردند اما مشکلات تولید و توزیع کتاب در این حوزه آنها را دور هم جمع کرد. در سال ۱۹۹۰ آن پنج ناشر از ناشران دیگر صورت گرفتند تا برای حل مشکل تولید، توزیع، کتابخانه‌های رای‌گزار کنند. سرانجام ۱۳ ناشر در ۶ کتابخانه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، اولین نمایشگاه کتاب کودک و نوجوان ایران را برگزار کردند. این نمایشگاه باعث شد، فرهنگ ناشران کتاب کودک شکل بگیرد.

مهدی شیبری مدیر نشر

ریحان و یکی از مؤسسان انجمن فرهنگی ناشران کتاب کودک دربارۀ اهداف این انجمن می‌گوید: «انجمن فرهنگی ناشران کتاب کودک با هدف گسترش کتاب و کتابخوانی در سطح ملی شکل گرفت. یکی دیگر از اهداف ما این بود که در تعاملات فرهنگی - اجتماعی جامعه شرکت داشته باشیم و از سوی دیگر در انجمن، تجربیاتمان را به یکدیگر منتقل کنیم. در واقع ما سه هدف اصلی یعنی ارتباط با مافوق و تولیدکنندگان کتاب، توجه به مخاطبان کتاب و رابطه بین این دو را با هم دنبال می‌کنیم.»

در حال حاضر انجمن فرهنگی ناشران کتاب کودک ۳۷ عضو دارد و هر ناشری که اهداف خود را در راستای اهداف این انجمن داشته، می‌تواند عضو انجمن فرهنگی ناشران شود.

شیبری در پاسخ به این سؤال که آیا در انجمن فرهنگی ناشران کتاب کودک، ناشران فعال در این حوزه عضو هستند یا خیر، می‌گوید: «بیشتر کتاب‌های کودکان و نوجوانان توسط ناشران عضو انجمن منتشر می‌شود، اما به هر حال در این انجمن تعدادی از ناشران برای دستیابی به اهداف ویژه‌ای دور هم جمع شده‌اند. بنابراین ناشران عضو انجمن عقاید و اهداف مشترکی دارند و ناشری که می‌خواهد، در انجمن عضو شود، به‌طور قطع همین اهداف را دنبال می‌کند.»
آیین‌نامه عضویت در انجمن فرهنگی ناشران کتاب کودک، نیز مانند سایر برنامه‌هاست. ناشران علاوه‌برند باید تقاضای عضویت را به انجمن تحویل دهند تا اعضای هیأت مدیره فعالیت ناشران را بررسی کنند. از آنجا که انجمن فرهنگی ناشران کتاب کودک، فعالیت‌های فرهنگی و اقتصادی دارد، عضویت در آن می‌تواند در

حل مشکلات برخی از ناشران مؤثر باشد. شیبری درباره این موضوع، معتقد است: «انجمن فرهنگی ناشران کتاب کودک، بیشتر کارهای فرهنگی انجام می‌دهد. اما این فعالیت‌های فرهنگی، مسائل اقتصادی را به دنبال دارد. به‌طور مثال با سود حاصل از تولید یک کتاب که تلاقی فرهنگی است، می‌تواند دیگری تولید خواهد شد. البته در برخی از کارهای انجمن به مسائل اقتصادی بیشتر توجه می‌شود، به همین دلیل ما فعالیت اقتصادی و فرهنگی را توسط تعاونی از هم جدا کرده‌ایم. در واقع مسائل اقتصادی به‌وسیله تعاونی جدا شده است. در همین راستا، کمیسیون فرهنگی نیز تشکیل شده تا بر بخش فرهنگی تأکید بیشتری کند.»

فعالیت‌های فرهنگی

از کارهای فرهنگی که انجمن فرهنگی ناشران کتاب کودک انجام داده، می‌توان به برگزاری کتابخانه‌های سیار اشاره کرد. محمدرضا محمدزوجه مدیر نشر خانه کتاب و روتس هیأت مدیره انجمن، فرهنگی ناشران کتاب کودک، اظهار می‌دارد: «عضو، از کارها در عرصه آبیئات کودک توسط انجمن فرهنگی ناشران کتاب کودک انجام شده، اما با آنها نایبده گرفتند یا اینکه به نام دیگران نام شد. به‌طور مثال، ما سال‌ها سعی کردیم مشکل توزیع کتاب را برطرف کنیم. به همین دلیل، اتوبوس‌های قدیمی را جمع‌آوری کرده و در آنها کتابخانه درست کردیم و هر روز در یک منطقه از شهر تهران، کتاب‌ها را به نمایش گذاشتیم. این کار نشان داد که اگر کتاب به‌درستی توزیع شود و در دسترس مخاطب قرار گیرد، استقبال خوبی به همراه خواهد داشت.»

وی درباره سایر فعالیت‌های انجمن فرهنگی ناشران، می‌گوید: «یکی از کارهای مهم انجمن کمک به ایجاد روشنگاری‌های نشر کتاب بود. این کار در واقع با همکاری شهرداری و انجمن فرهنگی ناشران، انجام شد. اما متأسفانه به این حرکت فرهنگی انجمن نیز توجه نشد و با مشکلاتی که برای اعضای انجمن پیش آمد، تصمیم گرفتیم، توزیع کتاب را به‌طور مستمر پیگیری کنیم. فعالیت‌های دیگر انجمن فرهنگی ناشران کتاب کودک عبارت‌است از:

۱) کمک به برگزاری هفته کتاب
۲) برگزاری نمایشگاه‌های ۱۷ استان و صد نمایشگاه، صد شهر
۳) برگزاری بخش بین‌المللی کتاب کودک و نوجوان از نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران
۴) برگزاری اولین نمایشگاه تخصصی دانش‌آموزی در پارک لاله.

رحیم‌نیا دلیل برگزاری این نمایشگاه‌ها را حل مشکلات توزیع کتاب کودک و نوجوان دانسته و می‌افزاید: «در برگزاری نمایشگاه‌ها چون دولت پشتیبان ما نبود، ضررهای بسیاری دیدیم. هدف انجمن فرهنگی ناشران کتاب کودک، این بود که در تمام کارهای فرهنگی نقش داشته باشد. اما ما به آن بها داده شد، به‌طور مثال، اسفند ۱۳۹۴ از برگزاری هفته کتاب می‌گذرد و با اینکه هفته کتاب با کمک و همکاری انجمن فرهنگی ناشران کتاب کودک شکل گرفت، انجمن را از تولید این حرکت جدا کردند.»

برنامه‌های تهیه

اسمال انجمن فرهنگی ناشران کتاب کودک، همکاری خود را با نیروی انسانی، آغاز کرده است. انجمن پیشنهاد داده شوابی برای

مربیان کانون ویرانه‌ویژه‌ای

۱۰۰ عنوان کتاب به کودکان معرفی می‌کنند

پیش از ۱۰۰ عنوان کتاب کودک و نوجوان با استفاده از شیوه‌های جذاب برای دانش‌آموزان بازدیدکننده از جشن کتاب معرفی می‌شود. به گزارش روابط عمومی پرورش فکری کودکان و نوجوانان، این برنامه را جمعی از مربیان کانون استان چهارمحال و بختاری در محل برگزاری این نمایشگاه در مرکز آفرینش‌های فرهنگی و هنری کانون اجرا می‌کنند.

نمایش ماکت و آثار حجمی، طرح‌های دیواری، سفال، نقاشی، فعالیت‌های تحقیقی و ادبی کودکان و نمایش عروسکی از جمله قالب‌هایی است که در این برنامه برای معرفی کتاب‌ها به کار بسته می‌شود. این فعالیت‌ها به تهیه و تکمیل، طراحی و ترکیب طی روزهای هشتم و نهم آذر در مرکز آفرینش‌های فرهنگی و هنری کانون با اهداف آشنا کردن کودکان و نوجوانان با کتاب‌های مفید و مناسب و کمک به آنها برای دستیابی به سیر مطالعاتی صحیح براساس استعداد و علاقه آنها انجام گرفته و در همین راستا دانش‌آموزان به مطالعه در کنار معرفی کتاب‌های جدید اجرا می‌شود. مربیان کانون استان چهارمحال و بختاری پیش از این طی روزهای ۱۶ تا ۱۸ آذر این فعالیت را در شهرکرد اجرا کردند که با استقبال دانش‌آموزان این استان روبه‌رو شد.

جشنواره اندرسن در ایران برگزار می‌شود

گروه غیر کتاب هفته‌جشنواره اندرسن به همت شورای کتاب کودک ۱۰۵ تا ۲۰ فوروردین ۸۴ در خانه هنرمندان برگزار می‌شود. شورای کتاب کودک به دستبست همکاری با گروه هنری اندرسن در به بخش مسابقه و نمایش و نمایش عروسکی به رقابت می‌پردازند. ناشران، نویسندگان، تصویرگران و ویرایشگران در سه بخش مسابقه، پیام و مقالات پژوهشی به رقابت می‌پردازند. آثار تصویری برگزیده از ۱۵ فوروردین ۸۴ در خانه هنرمندان به نمایش در خواهد آمد. قسمت ویژه‌ای برگزیده کودکان و نوجوانان نیز در ماهنامه عروسکی سخنگو منتشر خواهد شد. علاقه‌مندان تا پایان همین ماه سال جاری فرصت دارند که آثار خود را به جودخانه جشنواره اندرسن واقع در شورای کتاب کودک ارسال و برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۶۰۸۰۷۴ تماس حاصل کنند.

برنامه‌های انجمن فرهنگی ناشران کتاب کودک

تعامل با نیروی انسانی تشکیل شود تا با آموزش به کودکان و نوجوانان از وقوع جرم و جانیات پیشگیری کند.

یکی دیگر از فعالیت‌های آتی انجمن، پدیدارن به مسائل آموزشی است. انجمن فرهنگی ناشران کتاب کودک، آموزش و پرورش فرادۀ تألیف معدنی از کتاب‌های درسی را معرفی کرده است. قدرت‌الله تکلیت، مدیر نشر فوق از اعضای هیأت مدیره انجمن می‌گوید: «آموزش و پرورش برای این کار فراخوان داد و ناشران مختلف، اعلام آمادگی کردند. ما چو قرار بود این طرح در زمان کوتاهی انجام شود، به انجمن فرهنگی ناشران کتاب کودک کمک‌های چندناشر است، واگذار شد و ماسی کردیم از بهترین افراد هر رشته، برای تألیف این کتاب‌ها دعوت کنیم.»

تکیختک با بیان اینکه انجمن مدیریت تدوین تعدادی از کتاب‌های درسی را به‌عهده می‌دارد، می‌افزاید: «انجمن بر اساس چارچوب درس و با نظارت آموزش و پرورش، درس‌های آمادگی دفاعی جامعه‌شناسی را برای مقاطع راهنمایی و دبیرستان تألیف خواهد کرد. به همین دلیل یک گروه تخصصی تشکیل شده که انجمن هدایت این تیم را مدیریت خواهد کرد.»

درسی را یکی از اختراعات انجمن دانسته و می‌گوید: «در واقع آموزش و پرورش با سیاست‌های جدیدی که اتخاذ کرده‌اند، به همین دلیل یک گروه تخصصی تشکیل شده که انجمن هدایت این تیم را



بناوله با موفقیت، این کتاب‌ها تألیف و تدوین کند.»
توجه به مشکلات کاغذ برای چاپ کتاب‌های کودکان و نوجوانان نیز یکی از مهمترین کارهای انجمن فرهنگی ناشران کتاب کودک است.

محمد فروری در اینباره، معتقد است: «مهمترین عنصر در حوزه کتاب کودک، کاغذ است. از آنجا که قطع بسیاری از کتاب‌های کودکان با سایر کتاب‌ها متفاوت است و کیفیت آن نیز باید بهتر از کتاب‌های بزرگسالان باشد، کاغذ مورد نیاز ناشران کتاب کودک با هزینه‌های بسیار زیاد تهیه می‌شود. به همین دلیل، ناشران بزرگسال فوق‌العاده‌ها توجه به این مسأله، داشتند. این سرمایه‌های هلدردو، این موضوع را با معادلت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در میان گذاشتیم و با همکاریها و پشتیبان‌هایمان را هم برای پهن شدن موعود معرفی کردیم.»

منظر جواب وزارت فرهنگ نیز از دیگر برنامه‌های انجمن فرهنگی ناشران کتاب کودک است. رحیم‌نیا، عدم عضویت در معاهده کنی‌رات را از موانع حضور در بازار بین‌المللی کتاب می‌داند و معتقد است: «تا زمانی که، دولت برای کنی‌رات، فکری نکرده، نمی‌توان به نشر بین‌المللی امیدوار بود. البته هیچ چند سال گذشته در نمایشگاه‌های مختلف با ناشران خارجی همکاری داشته‌ایم حتی در بخش بین‌المللی نمایشگاه کتاب تهران هم ناشران سایر کشورها، فرارده‌هایی اشفا کرده‌ایم. اما نظر من از این کافی نیست.»

از فعالیت‌های جاری انجمن می‌توان از شرکت در جشنواره کتاب‌های آموزشی و پرورش گزار، در اشاره کرد. این جشنواره، هر سال توسط وزارت آموزش و پرورش برگزار می‌شود و اسامی برابست که انجمن فرهنگی ناشران کتاب کودک، داوران را برای حضور در هیأت داورى این جشنواره، معرفی کرده است.

شرکت در نمایشگاه بین‌المللی کتاب کرمان نیز یکی دیگر از فعالیت‌های انجمن فرهنگی ناشران کتاب کودک خواهد بود. انجمن امیدوار است، توانه سوزن‌باز برگزاری این نمایشگاه را به‌عهده بگیرد. حضور در نمایشگاه کتاب اگرب، یکی از مهمز قطع‌های انجمن است. هم از کارهای آتی انجمن است. از نمایشگاه شروع سخن گفتن ایران است و عنوان ۱۷ هزار سال فرهنگ ایران در رازگرب برگزار می‌شود. انجمن فرهنگی ناشران کتاب کودک، متون برگزاری نمایشگاهی از کتاب‌های کودکان و نوجوانان خواهد بود.



شماره ۲۱۲
پوشش به تاریخ ۱۳۸۴

شش سال از تأسیس انجمن نویسندگان کودک و نوجوان می‌گذرد. اکنون انجمن با پشت‌سر گذاشتن فراز و نشیب‌های نزدیک به ۲۵۰ عضو دارد. هر چند که انجمن در برنامه‌های هفته کتاب، حضور داشت، اما تصمیم گرفتیم با دیر انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، درباره این نهاد مدنی گفت‌وگو کنیم.



گفت‌وگو با محسن هجری

انجمن نویسندگان کودک و نوجوان

زندگی یک نهاد مدنی

انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، یک انجمن فرهنگی است یا صفتی؟

انجمن نویسندگان کودک و نوجوان به عنوان یک انجمن فرهنگی ثبت شده است. اما هویت صنفی نویسنده همان موجودیت فرهنگی اوست. که شاید از این جهت با سایر صنف‌ها تفاوت داشته باشد. چون هویت صنفی اصناف دیگر الزاماً با فعالیت فرهنگی تعریف نمی‌شود. در حالی که هویت صنفی و فرهنگی نویسندگان و هنرمندان منطبق بر یکدیگر است. در این شش سال که از تأسیس انجمن می‌گذرد، فعالیت‌های فرهنگی و صنفی انجمن نیز بر هم منطبق بوده است. به طور مثال مشکل بیمه نویسندگان یک مسأله صنفی بود که در دستور کار انجمن قرار گرفت. اما این معطوف بود به حل مشکلات نویسندگان که یک فشر فرهنگی هستند. بنابراین در انجمن فعالیت‌های صنفی و فرهنگی به طور موازی دنبال می‌شود.

فعالیت‌های انجمن بیشتر فرهنگی است و کمتر اقتصادی با توجه به اینکه بیشتر نویسندگان از اقشار کم‌درآمد جامعه هستند. آیا بهتر نیست انجمن بر حل مشکلات اقتصادی اعضا بیشتر اهمیت دهد؟ آیا امکانات انجمن برای این کار کافی است؟

دوست است که فعالیت‌های انجمن بیشتر فرهنگی و کمتر اقتصادی است. اما انجمن هر از گاهی، پروژه‌های فرهنگی را به عهده می‌گیرد که برای انجمن و اعضای آن درآمدزاست.

از طرفی فعالیت انجمن برای حل مشکلات حقوقی نویسندگان بیمه و مالیات و... در واقع تلاش در جهت تغییر در وضعیت اقتصادی آنهاست. هر چند ممکن است این تلاش چندان مطلوب نباشد. به طور مثال انجمن قصد داشت، مشکل مسکن نویسندگان را حل کند و تعاونی مسکن نویسندگان تشکیل شد. اما این کار ادامه پیدا نکرد و تعاونی‌های دیگری هم به دلیل کم‌توجهی بودن نویسندگان در مسائل اقتصادی به نتیجه مطلوب خود نرسید. از طرفی امکانات انجمن هم بسیار کم است. چون یک انجمن مدنی است و از نظر درآمد متکی به حق عضویت اعضا و پروژه‌هایی است که اجرائی آنها را به عهده می‌گیرد.

چندی پیش دو مجمع عمومی انجمن، بحث اسپانسر مطرح شد. بده برخی از اعضا پیشنهاد دادند که انجمن به یک اسپانسر نکیه کند. من فکر می‌کنم ممکن است اسپانسر جهت‌گیری انجمن را تغییر دهد. چون به هر حال، اسپانسر توقعات و خواسته‌هایی خواهد داشت. به همین دلیل زیاد روی این موضوع بحث نکردیم. الان دولت بودجه‌ای را برای کمک به احزاب و جمعیت‌های سیاسی در نظر گرفته. به نظر من، خوب است همین کمک برای نهادهای مدنی، فرهنگی و صنفی هم منظور شود. البته به عنوان یک حق نه به عنوان یک راست!

به نظر من دولت هم ممکن است جهت‌گیری انجمن را به طور غیرستقیم تغییر دهد.

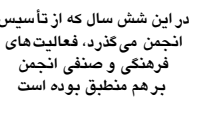
دولت از چپبه‌زنی هرنه نمی‌کند. بلکه از بودجه عمومی، برای مردم همین جامعه، امکاناتی را فراهم می‌کند. بنابراین اگر ما در چارچوب قانون از دولت کمک بگیریم به این معنا نیست که استقلال انجمن از دست می‌رود و از این جهت کمک‌های دولت با بخش خصوصی تفاوت دارد. **امکاناتی که انجمن نویسنندگان کودک و نوجوان به اعضای خود ارائه می‌دهد، چه نظامی با سایر انجمن‌های فرهنگی و صنفی دارد؟**

انجمن نویسندگان کودک و نوجوان با انجمن‌هایی که با بودجه مشخص و با حمایت دیگران اداره می‌شوند، متفاوت است. به همین دلیل امکاناتی که انجمن نویسندگان کودک و نوجوان برای اعضای خود فراهم کرده، محدود است. اما مهمترین امکاناتی که انجمن برای اعضا در نظر گرفته، حمایت از حقوق آنهاست. در مواردی انجمن طلب اعضا را از ناشران

وصول کرده که این به نوعی کمک اقتصادی به اعضای انجمن است. به هر حال قبول دارم که انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، توانسته به همه نیازهای نویسندگان پاسخ دهد. به طور کلی همه انجمن‌هایی که فعالیتشان مشابه انجمن نویسندگان کودک و نوجوان است، همین مشکلات را دارند. شاید به این دلیل که نهادهای مدنی در ایران نپایا هستند و باید این دوران گذار را با مشکلات اقتصادی طی کنند تا به نتیجه برسند.

ارتباط انجمن نویسندگان کودک و نوجوان با سایر نهادها و تشکل‌های مربوط به ادبیات کودک، مانند انجمن تصویرگران انجمن فرهنگی ناشران کتاب کودک و ... چگونه است؟

برای انجام برخی از فعالیت‌ها با شورای کتاب کودک، انجمن تصویرگران کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان حتی نهادهای مدافع حقوق کودک، همکاری داشته‌ایم. به طور مثال برای مراسم روز جهانی کودک (۱۲مهر) از همه نهادهای مربوط به حقوق کودک دعوت کردیم. به طور کلی ارتباط با تشکل‌های مربوط به ادبیات کودک نهادهای مربوط به کودک و نوجوان، در این‌نامه‌های کاری انجمن تعریف شده است. به هر حال چون توانایی ما در حل مشکلات محدود



در این شش سال که از تأسیس انجمن می‌گذرد، فعالیت‌های فرهنگی و صنفی انجمن بر هم منطبق بوده است

است به همین دلیل تلاش می‌کنیم که با سایر نهادها همکاری داشته باشیم.

در حال حاضر، شش ماه از فعالیت هیأت مدیره جدید انجمن می‌گذرد. در این مدت چه کارهایی انجام شده و هیأت مدیره چه برنامه‌هایی را در نظر دارد؟

در این مدت هیأت مدیره یکسری تصمیم‌گیری‌های بنیادی داشته است. یکی از اساسی‌ترین تصمیمیاتی که هیأت مدیره تصویب کرد مسائل صنفی نویسندگان بود. هر چند در هیأت مدیره‌های قبلی هم بر این موضوع تأکید شده بود ولی در این دوره در اولویت برنامه‌های انجمن قرار گرفت. بیمه نویسندگان نیز در این دوره هیأت مدیره، پیگیری شد. چون سازمان تأمین اجتماعی سابقه‌مدت‌کتر سن را تعیین کرده بود. هیأت مدیره جدید انجمن از ابتدای قبول مسؤولیت در نامه‌ای به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان تأمین اجتماعی، درخواست کرد تا سابقه جدیدی تدوین شود به هر حال شاید لازم باشد، ما مجلس نامه‌نگاری کنیم.

در راستای مسأله تأمین اجتماعی، مشکل دیگری هم وجود دارد. متأسفانه تعرفه‌های تأمین اجتماعی پاسخگویی تمام نیازهای درمانی نویسندگان نیست. بنابراین تلاش کردیم بیمه تکمیلی نویسندگان را در دستور کار قرار دهیم که آن هم

گفت‌وگو



یادیده شکل گروهی اقدام شود. در اینجا از همه اعضا دعوت می‌کنم. آمادگی خود را اعلام کنند. مسأله بعدی، معافیت مالیاتی نویسندگان است که هیأت مدیره آن را در دستور کار خود دارد. چون با وجود آنکه در سال ۱۳۸۰ معافیت مالیاتی فعالیت‌های فرهنگی - انتشاراتی، توسط مجلس تصویب شد و شورای نگهبان نیز آن را تأیید کرد. این نوع آن دو سال بعد یعنی در سال ۱۳۸۲ دوبین شد. اما باز هم برخی از ناشران دولتی به بهانه عدم ابلاغ آیین نامه به این گروه از ناشران از حق‌تألیف نویسندگان مالیات کسر می‌کنند. برای وزیر آموزش و پرورش هم نامه نوشتیم. اما ایشان ابراز بی‌اطمینی کرده‌اند. برای ما عجیب است که دو وزیر در کابینه باشند ولی از مصوبه‌های یکدیگر خبر ندارند.

سؤال انجمن این است، مالیاتی که تحت عنوان مالیات کسر شده به کجا واریز می‌شود؟ و اگر به صندوق دولت واریز می‌شود بر اساس مصوبه مجلس کسر مالیات از فعالیت‌های فرهنگی و انتشاراتی غیر قانونی است. این موارد از هیأت‌مدیره‌های فعلی شروع شده بود که در این دوره هم ادامه پیدا کرد. هیأت مدیره چه کارهایی را شروع کرده است؟

یکی از کارهایی که در هیأت مدیره جدید، آغاز شد، ارتباط با بانک کشاورزی بود. این بانک برای اولین بار بانک کودک و نوجوان را افتتاح کرده و در واقع به بچه‌ها اهمیت داده و موجودیت اجتماعی آنها را پذیرفته است. امیدواریم در آینده‌های انجمن اثری را که مضون اقتصادی و بانکی دارد تأیید کنند. خوشبختانه بانک کشاورزی هم برای همکاری با انجمن اعلام آمادگی کرده است.

نکته اخذ مدکر معاف برای نویسندگان است که در این دوره هیأت مدیره بانوشن نامه برای رئیس جمهور پیگیری شد. البته این بدان معنا نیست که معافیت ادبی و هنری نویسنده یا یک‌مدرک رسمی تأیید شود. بلکه چون به بحیر لوتیان، قضاهای دانشگاهی عوارضی غیر از قضاهای خارجه هستند. قوانین نظام اجرائی، موجب شده که برخی از نویسندگان به دلیل نداشتن مدرک، نتوانند، فعالیت‌های در خور توانایی علمی‌شان داشته باشند. پرسش این است در شرایطی که این امتیاز به سینماگران و هنرمندان داده شده از نویسندگان دریغ شود؟

یکی دیگر از فعالیت‌های انجمن، کمک به راه‌اندازی مجدد نشریه باران بود که به دلیل مسائل مالی سازمان اوقاف تعطیل شده بود که خوشبختانه با همکاری این سازمان مجدداً راه‌اندازی شد. هر چند متأسفانه تلاشی انجمن برای راه‌اندازی دیگر نشریات تعطیل شده کودک و نوجوان به جایی نرسید. همچنین انجمن در این دوره در جشنواره فیلم کودک اصفهان و جشنواره مطبوعات حضور پیدا کرد که البته در ادامه فعالیت‌های سال گذشته بود. انجمن با بنیاد سینمایی فارابی، یک هیأت‌شش نفره، شامل دو نفر از اعضای انجمن را برای انتخاب آثار مناسب سینمایی کودکان و نوجوانان، تشکیل می‌دهد که انجمن نمایندگان خود را معرفی کرده است.



شماره ۹۱۱۲
پوشته ۹ آذر ۱۳۸۳

یکی از اساسی‌ترین تصمیماتی که هیأت مدیره تصویب کرد مسائل صنفی نویسندگان بود



کتاب، کودک و نوجوان

فرزاد خلیفی نورا بادی



بایدها و نبایدها در نظارت بر کتاب کودک و نوجوان

با سیدعلی کاشفی خوانساری

کتاب به عنوان غذای فکری و روحی متناسب با سن و مقتضیات کودک و نوجوان از مغزله‌های مهمی است که در دنیا با سوسای خاصی مورد توجه قرار گرفته است. ایجاد دریچه نظارت بر کتاب در دستگاه فرهنگی کشور و اعمال نظر و دیدگاه بر اساس ضوابط و یا سلاطین خود حکایتی دیگر است و بین صاحبان قلم حوزه کودک و نوجوان و اصحاب حاکمیت در حوزه فرهنگ به چالش‌های نظری مبدل شده است. این گزارش در پی آن است تا تصویری کلیه‌شکافانه‌ی ناام با پیشینه و فلسفه شکل‌گیری هیأت نظارت ارائه نماید.

مسابقه نظارت

از افلاطون تا ناصرالدین شاه

سابقه نظارت بر کتاب کودک و نوجوان در ایران به دوره قاجار بازمی‌گردد. ناصرالدین شاه قاجار طی دستور خطاب به «صحن‌الدوله» بر نظارت کتاب کودک تأکید می‌کنند. می‌توان گفت این اولین دستور نظارت بر کتاب کودک و نوجوان در تاریخ ایران است.

سیدعلی کاشفی خوانساری دبیر هیأت نظارت بر نشر کتاب کودک و نوجوان در خصوص تأثیرات کتاب بر تربیت کودکان، ضرورت و پیشینه نظارت بر آن می‌افزاید: جدا از بحث‌های اجرایی در ساحت نظری بحث نظارت بر کتاب‌های کودک بسیار قدیمی است. افلاطون درباره داستان‌های مناسب و نامناسب برای کودکان بحث کرده و خواستار عدم ارائه افسانه‌های پدافوتی به کودکان شده است. این روند در تاریخ فلسفه جهان و فلسفه اسلامی و به دنبال آن مبانی تعلیم و تربیت در آراء دانشمندان مختلف وجود داشته است و همه اینها بر ضرورت نظارت بر امور فرهنگی کودکان تأکید می‌کنند. حتی کارل پوپر از مشهورترین فلاسفه زنده جهان و مبدع نظریه جامعه باز و از طرفداران جدی دموکراسی و آزادی‌های بی‌حد و حصر مقاله‌ای دارد که در آن به طور جدی بر ضرورت نظارت دولت بر کالاهای فرهنگی ویژه کودکان تأکید دارد.

کاشفی خوانساری که خود از نویسندگان و منتقدان ادبیات کودک است می‌گوید: نظارت بر کتاب‌های کودک و نوجوان در دوره پهلوی نیز وجود داشته است و اسناد باقیمانده از آن دوره حکایت از آن دارد که بسیاری از کارشناسان حوزه نظارت بر کتاب کودک افراد سالم و مؤمن بوده‌اند و عمده نظرات آنها دینی و تربیتی بوده است و بندرت دیدگاه‌های سیاسی در آنها دیده می‌شود.

سال ۱۳۶۷ آغاز شکل‌گیری هیأت

وی به بحث نظارت بر کتاب پس از انقلاب اسلامی اشاره می‌کند و می‌گوید: «بین هیأت نظارت بر کتاب کودک در سال ۱۳۶۷ و در دوره وزارت آقای خاتمی صورت گرفت. پیش از آن هم صدور مجوز کتاب‌های کودک صورت می‌گرفت. پیش‌بینی‌گذار نظارت بر کتاب کودک در دوره پس از انقلاب آقای مهدی حجویی هستند که نظام فعلی، ادامه و اصلاح‌شده همان نظام است. پس از ایشان آقایان محمودرضا بهمن پور، علی

قتیری، سیدبهمن دری، علی اصغر سیدآبادی و علیرضا کرمانی بوده‌اند.»

کاشفی می‌گوید: «سیدمحمد خاتمی وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی طی پیشنهادی به شورای عالی انقلاب فرهنگی این طرح را ارائه می‌دهد و پس از تصویب در شورا با ابلاغ رئیس جمهور وقت آیت‌الله خاتمی به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جمع می‌شود. عنوان هیأت نظارت بر کتاب کودک تعیین شدند که نتیجه فعالیت چند ساله آنها تدوین آیین نامه نظارت بر کتاب کودک و نوجوان بود. در سال ۱۳۷۵ در زمان وزارت مصطفی میرسلیم چند نفر به این مجموعه افزوده شدند.»

نحوه تعیین اعضا

دبیر هیأت نظارت درباره مرجع و نحوه تعیین اعضای



هیأت می‌گوید: «اعضای هیأت نظارت بر کتاب کودک به وسیله شورای فرهنگ عمومی که زیرمجموعه شورای عالی انقلاب فرهنگی است و ریاست آن را وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به عهده دارد تعیین می‌شوند. در شورای فرهنگ عمومی نمایندگان سازمان‌ها، وزارتخانه‌ها و نهادهای مختلف حکومتی، دولتی و دانشگاهی حضور دارند.»

سیدعلی کاشفی خوانساری در خصوص آغاز فعالیت هیأت نظارت به شکل‌گیری «اداره ویژه کتاب» در دوره وزارت مصطفی میرسلیم اشاره دارد و می‌گوید: «در دوره مصطفی میرسلیم تمام فعالیت‌های هیأت نظارت بر کتاب کودک با شکل‌گیری «اداره ویژه کتاب» متوقف شد. این روند در دوره وزارت عطاالله مهاجرانی ادامه داشت البته آقایان طالب‌زاده حجویی، بهمن پور، عموزاده و سیدآبادی در آن دوره برای عضویت در هیأت معرفی شدند که این اقدام ناتمام ماند. با مسؤولیت احمد مسجدجامعی هیأت نظارت بر کتاب کودک مجدداً راه‌اندازی شد و برای اولین بار دبیرخانه هیأت نظارت به صورت مستقل در معاونت فرهنگی تشکیل شد تا مقصود قانونی که مدتی مغفول مانده بود شکل اجرایی به خود بگیرد و جا دارد که از آقایان مسجدجامعی، رمضان پور و صیادی که

در شکل‌گیری این دبیرخانه و به اجرا در آمدن قانونی مغفول در حمایت از فرهنگ و ادب مؤثر بودند تشکر نمایم.»

این مقام مسئول درباره چگونگی فعالیت و زمان کار این هیأت می‌گوید: «جلسات هیأت چگونگی فعالیت و زمان کار این حضور حداقل ۵ نفر رسمیت می‌یابد و تعداد اعضای هیأت حدود ۱۵ نفر است که در میان آنها نمایندگان از نهادها، شخصیت‌های حقوقی، صاحبان نظر، نویسندگان، مترجمان، شاعران، تصویرگران و منتقدان ادبیات کودک و نوجوان به چشم می‌خورد. ریاست هیأت نظارت بر عهده وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی است و احکام اعضا توسط وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر و جلسات آن در معاونت فرهنگی برگزار می‌شود.»

محورهای فعالیت

کاشفی محور فعالیت‌های هیأت را در حوزه فرهنگی کودکان و نوجوانان ارزیابی می‌کند و می‌گوید: «بحث سیاست‌گذاری‌های مربوط به کتاب کودک، صدور مجوز نشر، فعالیت‌های نمایشگاهی و جشنواره‌ای و ارتباطات بین‌المللی محورهای کار هیأت نظارت بر کتاب کودک و نوجوان است.» وی محل دبیرخانه را در حوزه معاونت فرهنگی اعلام می‌کند و می‌گوید: «دبیر هیأت که مسؤول دبیرخانه است با حکم معاون فرهنگی فعالیت می‌کند و امور اجرایی، صدور مجوز کتاب‌های کودک، فعالیت‌های اداره و کارشناسی و مسائل مرتبط با کتاب کودک در دبیرخانه انجام می‌شود.»

به مرجع صدور مجوز نشر کتاب و صلاحیت علمی و کارشناسی هیأت می‌رسیم. این دوران طرح می‌شود که هیأت نظارت در صدور مجوز نشر کتاب ناچه میزان از نظرات اهل قلم و صاحبان اندیشه غیردولتی بهره می‌برد. کاشفی خوانساری که خود عضو هیأت مدبره انجمن نویسندگان کودک و نوجوان است، می‌گوید: «جلسات صدور مجوز نشر به عهده سرگروه‌های بررسی کتاب کودک است که این سرگروه‌ها همه از چهره‌های شناخته شده ادبیات کودک و نوجوان و از مدرسان دانشگاه‌ها هستند و سابقه سال‌ها فعالیت در این حوزه را دارند. این افراد با پیشنهاد دبیر هیأت نظارت و تأیید هیأت فعالیت می‌کنند.»

هیأت و کارشناسان بررسی

کاشفی ۷ سرگروه کتاب را ذکر می‌کند و می‌گوید: «هر سرگروه‌ی با تعدادی کارشناس زیرمجموعه خود مکتوبی و ارتباط دارد. نظر کارشناسان و سرگروه‌ها به دلیل تخصص در حوزه کار آنها قابل اعتماد است و کمتر اتفاق می‌افتد که نظرات کارشناسان مورد تأیید اهل فن و فرهنگ قرار بگیرد. اما ممکن است بررس نظرات انتقادی نسبت به نشر یک کتاب داشته باشند اما هیأت نظارت تشخیص می‌دهد که نشر آن کتاب کودک بلا مانع است.»

مراکز استان‌ها و نظارت

دبیر هیأت نظارت بر کتاب کودک در خصوص نحوه



۱۰
شماره ۱۱۲
دو پشمه ۹ خرداد ۱۳۸۳
www.naal.ir

صدرمجموعه کتاب در مراکز استان ها و شهرستان ها و پیش بینی نمایندگی هیأت نظارت در این مراکز می گوید، مجموعاً صدور کتاب کودک در مراکز استانی و شهرستانی در سال ۱۳۷۷ از سوی شورای فرهنگ عمومی مقرر شد تا هیأت نظارت در چند استان تشکیل شود. استان های قم، خراسان، فارس، اصفهان، کرمان و آذربایجان انتخاب شدند. امامکنان است در برخی از این استان ها هیأت نظارت فعال نباشد و اینها مجاز شدند تا بر اساس سیستمگذاری مرکز خود رأی به صدور مجوز کتاب در استان های خود اقدام کنند. متأسفانه پدیدگیوم چهر استان قم در هیچ یک از استان ها هیأت نظارت بر نشر کتاب کودک جهت صدور مجوز نشر تشکیل یافته است و این استان ها خواسته ایم هر چه زود نسبت به تشکیل هیأت نظارت اقدام کنند.

کاشفی خونساری در پاسخ به این سؤال که آیا هیأت نظارت بر کار کارشناسان حوزه اعمال سلفه و یا نفوذ می نماید یا به تعبیری حق ابروی دارد می گوید، تنها کتاب های که سرگروهها بتوانند درباره آن تصمیم گیری کنند و با ناشران و نویسندگان به نظر بپردازند اعتراض کنند در جلسه هیأت نظارت طرح می شود که هیأت نظارت رسیدگی می کند.

حق اعتراض محفوظ

وی به وضوحت رسیدگی به اعتراضات ناشران و نویسندگان کتاب و با تکیه نسبت به عملکرد هیأت هیأت می گوید، اعتراض ها طبیعی است. یکی از افتخارات مثبت که در یکی دو سال اخیر رخ داده است شفاف سازی و رعایت اصل پاسخگویی با ارائه نظرات کارشناسی و رسمی است که به ناشران ابلاغ می شود. تنها کتاب های طرح می شود اگر ناشر و نویسنده ای این نظر را دوست نمی نماند می تواند اعتراض خود را به هیأت نظارت ارائه کند و آن هیأت نظر نهایی می دهد.

کاشفی به نفس تشکیل دبیرخانه توجه دارد و می گوید: «برای اولین بار است که شورای با موضوع کتاب کودک در وزارتخانه تشکیل شده است و این نشان دهنده توجه مدیریت فرهنگی کشور و اهمیت مسائل کودک و نوجوان است قبلاً کار کارشناسی بررسی کتاب و مجوز نشر به این ضابطه منتهی نبود و اصل حق اعتراضی وجود نداشت.»

وی دیگر بزرگ تشکیل دبیر هیأت نظارت را کاهش مدت زمان بررسی کتاب ذکر می کند و می گوید: «ارائه مشاوره های رایگان ادبی و هنری به ناشر و نویسنده از طریق دبیرخانه صورت می گیرد و هدف دبیرخانه ارتقاء سطح کیفی کتاب هاست که اجرای این نظارت مشاوره ای برای ناشر و نویسنده اجباری نیست.» قشقی دبیر هیأت درباره جایگاه اجتماعی آن چیزی شبیه وکیل مدافع و یا مدعی العموم است که به نمایندگی از قلمبه مردم بر تولیدات فرهنگی ویژه کودکان نظارت و از کودکان در برابر خطرات احتمالی و یا آنکس بر ارزش حمایت می کند.

هیأت نظارت قانونی یا غیر قانونی؟

سیدعلی کاشفی خونساری دبیر این هیأت در پاسخ به این سؤال که بخشی از تفکر جامعه چنین هیأت های را غیر قانونی می داند نسبت به مسئله غیر قانونی معیوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و فرهنگ و بر اساس آن تشکیل هیأت نظارت می گوید، هیأت نظارت تنها بر اساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی جهت نظارت بر فعالیت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منصوب مجلس شورای اسلامی به صورت ضمنی مطرح است. وظیفه دستگاه اجرائی ورود به مباحث نظری حقوقی نیست آنچه که از طرف ریاست جمهوری به وزارتخانه ابلاغ می شود برای آنها لازم الاجرا است و نظارتی نمی کند که این ابلاغ از سوی هیأت وزیران، شورای عالی انقلاب فرهنگی، مجلس شورای اسلامی، مجمع تشخیص مصلحت نظام و یا هر جای دیگری باشد. از آن طرف ما سابقه حکم امام خمینی را داریم که معیوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی را حکم قانون دانسته اند و برای کلیه دستگاهها لازم الاجرا اعلام شده است. بسیاری از نهاد های رسمی کشور صرفاً بر اساس معیوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، تشکیل شده است مثل انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، سازمان دانش آموزی و جهاد دانشگاهی.

وی دلیل دیگری را دایر بر قانونی بودن مصوبه تشکیل هیأت نظارت به این نکته پیوند می زند که «هیچ قانون مواری و یا مشابه دیگری توسط مجلس شورای اسلامی و یا هیأت دولت قبل و یا بعد از مصوبه به تصویب نرسیده است و این مسأله نشان می دهد که این مصوبه از نظر دولت و مجلس شورای اسلامی مفید و لازم الاجراست.»

کاشفی در ادامه مستندات خود به نامه

احمد مسجد جامعی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به رئیس جمهوری اشاره می کند و می گوید: «در سال ۱۳۸۲ وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی طی نامه ای به رئیس جمهوری تأکید می کند که مبنای این وزارتخانه در زمینه صدور مجوز کتاب شورای عالی انقلاب فرهنگی است و رئیس جمهور ضمن تأیید این رویه بر عهده آن تأکید می کند.»

همچنین به گفته او مصوبه هیأت دولت در مورد چاپخانه ها تصریح می کند که چاپخانه ها تنها اجازه چاپ کتاب دارای مجوز را دارند.

ملاک و معیار نظارت

کاشفی خونساری در خصوص ملاک ها و معیار های نظارت و بحث سانسور در ادبیات کودک و نوجوان می گوید: «مقره نظارت بر کتاب کودک یک مقره فرهنگی است. در پیشرفته ترین کشورهای جهان با وجود آزادی های بی حد و حصر محدودیت های خاصی بر کتاب و مطبوعات کودک و نوجوان اعمال می شود و همه آنها پذیرفته اند که این نظارت منافاتی با اصل آزادی بیان ندارد. نظارت بر کتاب کودک چیزی شبیه استاندارد در کالاهای صنعتی و با کسب مجوز در اصناف و پروانه بهداشتی در مواد غذایی است کاشفی در ادامه می گوید: «سابقه هیأت نظارت را بررسی کنید و ببینید کدام اندیشه سیاسی یا محدودیت رویه وجود شده است. اولاً محدودیت ها در صد سیصد اندکی از کتاب ها را شامل می شود و ثانیاً آن تعداد اندک بر اساس ملاک های کیفی ادبی و تربیتی بوده است. برای مثال در سال ۱۳۸۲ مجموعاً ۳۹۷ کتاب کودک توسط این دبیرخانه صادر شده است که تعداد کتاب های مرود شده در این سال تنها ۶ عنوان بوده است که آنها هم هیچگاه اندیشه و مسائل سیاسی ملاک ممنوعیت نبوده است. کتاب های هم که مشمول اصلاحات شده اند کمتر از یک درصد کل کتاب است.»

هیأت نظارت و دیگر فعالیت ها

کاشفی به اصل تعامل و تعامل بین هیأت نظارت، ناشر و نویسنده می پردازد و می گوید: «علاوه بر کاهش زمان بررسی کتاب در بسیاری از موارد کارها به صورت تعاملی حل شده است و تعداد کتاب های منروطی در عین حفظ وقت در مسائل دینی و تربیتی کاهش پیدا کرده است. قبلاً در اداره کتاب یک نفر کار شناس تعیین شده بود و کارها از نظر آن یک نفر پیش می رفت ولی اکنون هیأت نظارت و دبیرخانه این امور اهدایت می می کند.»

دبیر هیأت نظارت بر کتاب کودک به ازفتای جایگاه کتاب کودک نیز توجه می کند و می گوید: «در کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ادبیات کودک به عنوان یک زیرشاخه گروه ادبیات مطرح بوده است ولی در دو سال اخیر به عنوان یک گروه مستقل شامل ۵ زیرمجموعه به فعالیت خود ادامه می دهد. در کتاب سال ولایت، کتاب سال پایداری و جشنواره های ادبی توجه ویژه ای به ادبیات کودک صورت گرفته و حتی در نمایشگاه بین المللی کتاب تهران موضوع کتاب کودک مورد توجه خاصی قرار گرفت به گونه ای که در سال گذشته شعار پوستر نمایشگاه کتاب، کودک و خانواده بود و برنامه های جانبی متعددی با موضوع کتاب، کودک و نوجوان در نمایشگاه بین المللی تهران ظاهر شد.»

این مسؤول خبر از اولین نمایشگاه بین المللی کتاب کودک ایران در کرمان می دهد و می گوید: «طرح هایی برای برپایی نمایشگاه های بین المللی کتاب کودک، در کشور تاجیکستان و



چند کشور دیگر در دست بررسی داریم و خرید کتاب کودک و نوجوان شکل کارشناسی به خود گرفته است و با توجه به اصل کیفیت کتاب ما بیشتر از کتاب های بزرگسالان خریداری می شود.» افتاد دیگر تشکیل شورای برای هماهنگی فعالیت های فرهنگی هنری کودکان در سطح وزارتخانه است. به این شورا نمایندگان ادارات مطبوعاتی، سینمایی، تئاتر، موسیقی، تصویرگری و کتاب به تبادل نظر می پردازند.

وی به سهولت اضطلی ناشران نیز اشاره دارد و می گوید: «کیفیت ادبی و هنری کتاب های کودک مورد توجه است و مهتر از آن لزوم ارائه قرادادهای ناشران با موافقت برای دریافت وام است که به این ترتیب راهی برای حمایت از حقوق پدیدارندگان پیش بینی شده.»

سطح تعامل

کاشفی خونساری در پاسخ به میزان سطح تعاملات و ارتباطات نویسندگان ناشران و هیأت نظارت می گوید: «دستار راه هایی برای ایجاد ارتباط با نویسندگان و ناشران بوده ایم و تا حدودی موفق به جذب ایم اکوتیوت قریب به اتفاق ناشران و نویسندگان از نظارت بر کتاب کودک رضایت دارند چرا که این افراد نگاه فرهنگی دارند و رویکرد آنها صرفاً اقتصادی و منفی نیست.»

دبیر هیأت نظارت بر کتاب کودک در پاسخ به ملاحظیات در صدور مجوز نشر کتاب کودک می گوید: «جداً از نویسندگان و ناشران در این میان باید میزان رضایت سایر اقشار اجتماعی را در نظر گرفت. خانواده ها، معلمان، مربیان، کنشگران، روان شناسان، منتقدان انجمن های ادبی، نهاد های دینی و قضایی همه و همه به نوعی درگیر با عملکرد هیأت نظارت خواهند بود و بی شک قلمبه این گروه های اجتماعی بر پیشی گرفتن محسنت نظارت بر معایب احتمالی آن باور دارند.»

حیات خالی از غیب نیست

وی وضوحت فعلی هیأت نظارت و سیستم نظارتی را خالی از غیب و ایراد نمی داند و می گوید: «می کشد بر شکل فعلی نظارت انتقادی وارد است که می توان برای اصلاح آن اندیشید. اما در کسب ضرورت و فواید هیأت نظارت بر کتاب کودک بعد است که پیش از آنکه جنبه کارشناسی داشته باشد تلاش از نگاه های سیاسی به ادبیات کودک و نثری روان مجادلات دنیای سیاست در دنیای کودکان است. او ضمن تأکید بر قطع بودن اصل نظارت بر کتاب کودک از نظر شرع، عقل، قانون و علم می گوید: «مشکل است شیوه فعلی پنهان شیوه ممکن باشد. کارشناسان و محققان باید شیوه های دیگر نظارت مثل متعدد شدن مراکز نظارت و تعامل دانشگاه ها را در این حوزه بررسی کنند.»

سیدعلی کاشفی خونساری دبیر هیأت نظارت بر کتاب کودک در پایان بخشی از اعتراضات به حوزه نشر کودک و نوجوان را برمی گرداند و دیگر دستگاه های دولتی می داند می گوید: «این اعتراضات به دستگاه قضایی کشیده شده است و با بحث و مذاکره به تدریجاً پایان داده ایم و در برابر معترضان از حقوق ناشر و نویسنده دفاع کرده و خواهیم کرد. آرزوی ما این است که هیچ مایع نویسنده و ناشر کتاب کودک به مجامع قضایی کشیده نشود و ما مسؤولیت کتاب های دارای مجوز را می پذیریم.»



کتاب، کودک و نوجوان

رقابت‌ها، جشن‌ها و جشنواره‌ها

برای اولین بار جایزه بهترین کتاب کودکان و نوجوانان، در سال ۱۳۳۳ توسط مجله سخن به علی محمد عامری، برای ترجمه یک‌سری کتاب مفید کودکان و نوجوانان به نام «علوم به زبان ساده» اهدا شد. این کتاب توسط کاپلرژوشی‌های این‌سریه و پاتش و با همکاری مؤسسه انتشارات ارناکتین منتشر شده بود. سال ۱۳۳۷ نیز وزارت فرهنگ و هنر آن زمان جهت تشویق نویسندگان و کسانی که دربارهٔ آموزش کودکان مطالعه و تجربه کافی داشته‌اند کتاب‌های کودک (فردوسی) کودکان و نوجوان را به سالیانه گذاشت. در این سالیانه بهترین کتاب‌های منتشر شده سال ۱۳۳۶، انتخاب شد. انجمن کتاب ایران هم در سال ۱۳۴۰ از طرف مجله راهنمای کتاب، کتاب‌های برتر سه مقطع کوکستان، میستان و دبیرستان را انتخاب کرد.۲ اما شورای کتاب کودک، تنها نهادی است که یک سال از تأسیس در سال ۱۳۳۱، بهترین کتاب‌های کودکان و نوجوانان هر سال را انتخاب و معرفی کرد که همچنان ادامه دارد البته کتاب سال شورا، فقط معرفی کتاب‌های برتر کودکان و نوجوانان است و جشنواره محسوب نمی‌شود.



آنها جشن قلم‌نویسان جوان برگزار می‌شد. از طرفی در این دفتر، آثار نویسندگان کودک و نوجوان برای چاپ توسط حوزه هنری مورد بررسی قرار می‌گرفت. همچنین جلسات داستان‌خوانی با حضور نویسندگان کودک و نوجوان، برگزار می‌شد. اما همه این برنامه‌ها با رفتن آقای زم از حوزه هنری تمام شد.

وی برگزاری نشست‌های تخصصی در استان‌ها را یکی دیگر از برنامه‌های دفتر شعر و ادب داستانی، می‌داند و معتقد است، «ظاهراً بره‌داشت، مدیریت جدید حوزه هنری از ادبیات و داستان با دیگران تفاوت دارد. چون پس از رفتن آقای زم بسیاری از نهادهایی مهم، حوزه هنری از زمین رفته و ولایت‌های جدی و پر دامنه و تأثیرگذار تعطیل شد. البته اگر این برنامه‌ها، حتی با اعضای جدید دنبال می‌شد، خوب بود. اما باحتم این است که هیچکدام از این نهادها، در سال‌های بعد از تغییر مدیریت دوباره راه‌اندازی نشندند.»

کتاب سال سوره

گاهنامه قلم‌رو و دوفه‌نامه سوره نوجوان، نیز از دیگر فعالیت‌های تعطیل شده حوزه هنری هستند. در این میان سوره نوجوانان، چهار دوره بهترین کتاب‌های کودکان و نوجوانان را انتخاب و معرفی کرد. اولین دوره در سال ۱۳۹۴ برگزار شد. اما از سال ۷۱ به بعد، انتخاب کتاب سال سوره را منحل کرد و پس از مدتی انتشار این نشریه نیز متوقف شد.

جشنواره انتخاب بهترین آثار مطبوعات

سال ۷۵خانه روزنامه‌نگاران جوان، جشنواره انتخاب بهترین آثار مطبوعات کودک و نوجوان را برگزار کرد.

سیدعلی کاشفی خوارساری دبیر این جشنواره می‌گوید: «در اولین دوره جشنواره کتاب کودک کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به قالب‌های مطبوعاتی توجه شد و فقط آثار ادبی، مورد بررسی قرار گرفت. به همین دلیل خانه روزنامه‌نگاران جوان، آثار مطبوعات کودک و نوجوان را کوشش کرد و توان سال به بعد، کانون پرورش فکری به بررسی بهترین‌های مطبوعات کودکان و نوجوانان هم پرداخت و انتخاب آثار برتر توسط خانه روزنامه‌نگاران جوان دیگر ضرورتی نداشت.»

خانه روزنامه‌نگاران جوان همچنین دو بار سالانه مطبوعات کودکان و نوجوانان را در سال‌های ۷۶ تا ۷۷ چاپ کرد که در سال‌های بعد به دلیل مشکلات مالی، انتشار این سالنامه متوقف شد.

جایزه دوچرخه طلایی

اهدای جایزه دوچرخه طلایی هم یکی دیگر از کارهای تعطیل شده در عرصه ادبیات کودک و نوجوان است. پیشه‌دار این جشن از فریدون عموزاده خلیلی بود و فقط یک دوره در سال ۸۰ برگزار شد. عموزاده خلیلی آن زمان سردبیر نشریه دوچرخه بود. «روزنامه روزنامه همشهری» از طراح این جشن بود. لیلا رتسگار سردبیر فعلی نشریه دوچرخه، استقبال از این کار را بسیار خوب توصیف کرده و می‌گوید: «از همان زمانی که آقای عموزاده خلیلی، سردبیر نشریه بودند، این جشن ادامه پیدا

جوانیزه‌ها از انقلاب

بعد از انقلاب، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از سال ۱۳۶۲ به منظور آرزوایی فرهنگ، مکتوب جامعه و شناسایی و تقویت و حمایت از سزولان، مترجمان و… همچنین سیاستگذاری برای حمایت از اهل قلم، بهترین کتاب‌های هر سال را که در زمینه‌های مختلف منتشر شده‌اند انتخاب می‌کند. در تمام این سال‌ها از کتاب‌های برتر کودکان و نوجوانان هم تقدیم شده است. هر چند برگزاری شد، بحث حذف کتاب‌های کودکان و نوجوانان از گردونه رقابت مطرح شد.

روایت مطرح شد. ظاهراً استدلال سزولان این بود که یک کتاب کم حجم کودکان و نوجوانان، رانسی‌تر از کتاب بزرگسالان یکی داشت. به هر حال این مسأله، واکنش متفاوتی را به دنبال داشت و باعث شد، فعلاً کتاب‌های کودکان و نوجوانان هم در کنار کتاب‌های بزرگسالان

کتاب‌های بزرگسالان

حذف کتاب‌های برتر کودکان و نوجوانان در سال‌های قبل از انقلاب طبیعی است، چرا که پس از انقلاب بسیاری از اجتم‌ها که کتاب‌های برتر را انتخاب می‌کردند، منحل شدند. تنها شورای کتاب کودک، چه در سال‌های پیش از انقلاب و چه پس از آن با توجه است، هر سال کتاب‌های برتر کودکان و نوجوانان را به علاقه‌مندان معرفی کند.

اما پس از انقلاب هم مراکز و نهادهایی دست به معرفی کتاب‌های برتر زدند و برخی پس از مدتی به دلایلی بازر این رفتند و با انتخاب کتاب‌های برگزیده بازر برنامه کاری خود حذف کردند.

کتاب سال سوره

ماهنامه سوره نوجوان سال ۱۳۶۷ با عضویت عده‌ای از نویسندگان و شاعران کودک و نوجوان تأسیس شد و از همان سال، همراه با مجله کیهان‌جبهه، بهترین کتاب‌های سال کودکان و نوجوانان را معرفی کرد.

در اولین دوره انتخاب کتاب سال سوره، کتاب‌های سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۶ مورد بررسی قرار گرفت و کتاب‌های برتر این دوره انتخاب شدند:

آخرین دوره کتاب سال سوره نوجوان در سال ۱۳۶۶ برگزار شد و پس از آن دیگر اثری از کتاب سال سوره باقی نماند. بعد که ملکی‌پنکی از اعضای ماهنامه سوره نوجوان درباره هدف از انتخاب کتاب سال سوره نوجوان می‌گوید: «از سال اول انتشار مجله سوره نوجوان، احساس کردم تعداد کتاب‌های خوب کودکان و نوجوانان، روز به روز کمتر می‌شود. بنابراین برای تشویق نویسندگان و معرفی کتاب‌های برتر پیشینه‌دار انتخاب کتاب سال سوره نوجوان داده شد و هر سال بهترین کتاب‌های منتشر شده سال گذشته توسط داوران مختلف



ملکی علت منحل شدن این جشنواره را اینکه زبان می‌کند، عهده مجله سوره خارج بود چون این کار نیاز به یک مرکز بزرگ داشت، ما در آن سال‌ها سعی کردیم این جشنواره را به خوبی برگزار کنیم. اما کمبود نیروی کار زیاد باعث شد در سال‌های بعد، این انتخاب انجام شود. از طرفی مشکلات حاشیه‌ای و تا حدودی کمبود امکانات مالی نیز بی‌تأثیر نبود.

کتاب سال دفتر شعر و ادب داستانی

دفتر هنر و ادب داستانی هم در ۶۶-۶۵ با عضویت عده‌ای از نویسندگان و شاعران تشکیل شد. این دفتر سه دوره بهترین کتاب‌های سال کودکان و نوجوانان را انتخاب کرد. اما با تغییراتی که در حوزه هنری پیش آمد، بسیاری از کارهای انجام شده در عرصه ادبیات کودک و نوجوان این مرکز، منحل شد که یکی از آنها برگزاری جشن قلم‌نویسان جوان بود.

دفتر هنر و ادب داستانی حوزه هنر سال به هنرنویسان برگزیده در رشته‌های داستانی، نوبسی، ترجمه و نقد، جوایزی اهدا می‌کرد. این دفتر به مرحله‌ای رسید که هنرنویان آن هر کدام صاحب کتاب شده بودند. در نتیجه کتاب‌های هنرنویان توسط داورانی در جشن قلم‌نویسان جوان، بررسی می‌شد. این جشن در سال‌های ۷۵ تا ۸۰ برگزار شد و در دوره کتاب‌های مناسب کودکان و نوجوانان به عنوان کتاب برتر معرفی شدند. جواد چربی سزول دفتر هنر و ادب داستانی حوزه هنری درباره فعالیت‌های این دفتر می‌گوید: «این مجموعه آموزشی شامل انجمن مترجمان جوان، انجمن داستان‌نویسان جوان و انجمن منتقدان جوان بود. هر کس با یک ترجمه داستان یا نقد چاپ شده می‌توانست در این انجمن‌ها عضو شود. دوره‌های مربوط را برگزارند. نزدیک به سه هزار هنرنویان داشتیم که برخی از این هنرنویان بعد از مدتی کتاب می‌نوشتند که برای تشویق

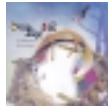
ماه بود و روایه؛ نامزد و اتکوتال

کتاب امده بود و روایه به نویسندگی و تصویرگری افشینا میرویان نامزد دریافت جایزه ویژه واتکوتال ۲۰۰۱ فرستاده شد.

این کتاب که در سال ۱۳۷۹ توسط انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شده است، به همراه هفت کتاب دیگر از گروه‌های اسپهباد، بوزلی، آرزوتین، لژیونی، ایتلیا، نورد و فرانسه نامزد دریافت این جایزه شده است.

جایزه واتکوتال که در سال ۱۳۸۸ تأسیس شده است، همه ساله از سوی مرکز بین‌المللی مطبوعات ادبی کودکان و نوجوانان فرانسه به بهترین آثار از نظر داستان و تصویر اهدا می‌شود. این مرکز با یک کتابخانه دیجیتال شامل ۳۵ هزار عنوان کتاب، معرفی برای اطلاع‌رسانی درباره ادبیات کودک و نوجوان در فرانسه است و هر ساله ۵۰۰ عنوان به مجموعه کتاب‌های آن اضافه می‌شود.

کتاب «آزاده» نوشته ملایر تهرانی از انتشارات کانون در سال ۲۰۰۱ برنده این جایزه شده است.



۱۲ شهریور ۱۳۸۲
دوشنبه ۱۳ آذر ۱۳۸۲
شهر

نگردد تنها یک بار برگزار شد که خیلی کار خوبی بود. ما هم دوست داریم دوباره چنین برنامه‌هایی برگزار شود. اما امکانات فعلی مجله این اجازه را نمی‌دهد از طرفی کار اصلی ما انتشار مجله است و ممکن است مسائل جانبی‌ای به کار ما لطمه بزند.»

جشن سال نقش کراب کتاب کودک

یکی از مهمترین جشنواره‌های ادبیات کودکان و نوجوانان نایشگاه تصویرگران کتاب کودک بود که آن هم بعد از دودوره به دلیل مشکلات مالی و عدم حمایت نهادهای دولتی و خصوصی، متوقف شد. سمندرزاده همین روز، سال ۱۳۹۸ پیشنهادی برای یکی نایشگاه تصویرگران کتاب کودک را داد. این نایشگاه به صورت دوساله و به طور نامنظم یعنی در سال‌های ۶۸ و ۷۰ و ۷۲ و ۷۸ برپا شد.

سال‌های ۶۸ و ۷۰ یعنی اولین و دومین دوره، این نایشگاه هم زیر نظر معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد و در سال‌های بعد ستاد مستقلی برای آن راه‌اندازی شد اما به دلیل مسائل مالی این فعالیت هم، از بین رفت. حسین نظری درباره اهداف برپایی این نایشگاه، می‌گوید: «به دلیل پایین آمدن کیفیت تصویرگری کتاب‌های کودکان و با هدف ارتقای سطح تصویرگری کودکان و نیز شناساندن تصویرگران جوان و خوش‌ذوق همین‌جا معرفی این افرادی به ناشران کتاب‌های کودکان و نوجوانان این نایشگاه برگزار شد. می‌توان گفت سال ۸۸ اولین نایشگاهی بود که ۱۰۰ درصد تعداد جوان‌های تصویرگر، پیشتر بود و این جوان‌ها در گروه سنی ۱۸ تا ۲۵ سال بودند. از طرفی حضور خانم‌های تصویر گر هم افزایش چشمگیری داشت.»

چند سال برگزاری این نایشگاه، ۷۵ تصویرگر جایزه گرفتند که به دلیل طولانی شدن مطلب از ذکر نام آنها صرف‌نظر می‌کنیم. از این نفر، ۲۵ نفر آقا و ۴۰ نفر از خانم‌ها تصویرگر بودند.

جشن آسمان

جشن آسمان مختص به انتخاب کتاب‌های مذهبی کودکان و نوجوانان بود که توسط مجمع فرهنگی منتظران تنها یک دوره برگزار شد و مجمع تیزوآست هزینه‌های این جشن را تأمین کند. در این جشن قرار بود مجموعه آثار ادبیات کودک و نوجوان در یک سال بررسی شده و به بهترین آثار در زمینه‌های شعر، داستان و… معرفی شوند. هدف از این جشن هم شنوای تویستگان و ترویج کتاب‌های مذهبی کودکان و نوجوان بود. در این جشن در سه بخش اصلی و در بخش ویژه برگزار شد. در بخش‌های اصلی این جشنواره بهترین قصه‌های فرآنی کودکان، معموین و صحنه انتخابی شد. نیمه دوم دارای یکی از اعضای مجمع فرهنگی منتظران درباره جشن آسمان می‌گوید: «هدف ما این بود که آثار مذهبی و آن کودکان و نوجوانان خارج از نهادهای دولتی مورد بررسی قرار گیرد. اما به دلیل مشکلات مالی نتوانستیم این کار ادامه دهیم. حتی با سازمان اوقاف و اسنان قدس رضوی هم همکاری نداشتیم. در نتیجه هزینه‌های آن مسجحت کزیم ولی به نتیجه نرسیدیم.»



جشنواره انتخاب کتابخانه‌های خانگی

جشنواره انتخاب کتابخانه‌های خانگی انجمن نویسندگان کودک و نوجوان نیز پس از یک دوره در سال ۸۱ منحل شد. هدف انجمن از این جشنواره تشویق و گسترش کتابخانه‌های خانگی بود که این جشن هم مثل اغلب فعالیت‌های حوزه ادبیات کودک و نوجوان به دلیل مشکلات مالی و عدم حمایت نهادهای مراکز دولتی از بین رفت. جشنواره‌های کتاب و اهدای جوایز به آثار منتشر شده در حوزه ادبیات کودک و نوجوان مانند حوزه ادبیات کودکان همیشه مورد بررسی قرار گرفته است و در میان آنها جشنواره‌هایی که به طور مستقل و بدون وابستگی به مراکز دولتی اقدام به انتخاب آثار برتر کرده باشند بسیار کم است. امروز جشنواره‌های مربوط به کتاب ویژه کتاب‌های کودکان و نوجوان باید بدون موضع‌گیری‌های سیاسی و دخالت‌های نامعن برگزار شود. تنها در این صورت می‌توان اطمینان داشت که انتخاب کتاب‌های برتر عادلانه و بدون غرض‌ورزی انجام شده است.

البته این اطمینان هم نسبی است. چون ممکن است جشنواره‌ای در ظاهر مستقل از نهادهای دولتی و سیاسی باشد، اما پای هم‌عدای از همان نهادها مسؤلیت، برگزاری آن جشنواره را به عهده داشته و به طور غیرمستقیم مانع هرگونه مربوطه را دخالت دهند. **بی‌نوشته:** (۲۰) ف.قاسمی، سیدفرید. «هنگ کتاب»، ناشر خانه کتاب ایران، اول، ۱۳۸۲.

گاهنامه قلمرو ادبیات کودکان، شماره ۱۳۷۵ - کتابخانه کاروان پروش فکری کودکان و نوجوانان

نقد ریشه می‌گیرد

چهره به چهره با فرهاد نباتی؛ دبیر اجرایی جشنواره نقد کتاب



معرفی می‌شود، البته به جهت توجه حوزۀ کلیات تصویب شد برای منتقدان کتابک ماه کلیات دو جایزه در نظر گرفته شد.

برای اولین جشنواره نقد کتاب، ۲۰بخش ویژه نیز در نظر گرفته شده است. بخش اول تجلیل از یک پیشگوست نقدنویسی داشته و این پیشگوست را بدیش از ۳۰ ساله سابقه نقدنویسی داشته باشد و به‌طور متوسط سالی ۱۰ نقد نوشته باشند.

بخش دوم انتخاب یک نشریه است. نقد و تریب انتشار، دوام و نظارت به بخش خصوصمی از ملاک‌هایی است که در انتخاب نشریه برنگزیده در نظر گرفته شده است. **دآوری آثار و نشریات طی چه مراحل انجام شده است؟** **هیأت داوران متشکل از چه کسانی هستند؟** **دآوری‌ها در چه مرحله اول کل نقدهای چاپ شده در سال ۸۲ توسط گروه‌های کارشناسی در ۱۲ رشته مورد بررسی قرار گرفته و اثر نشریه ۵ نقد به مرحله دوم دآوری راه یافت.**

برای مرحله دوم ۵نفر منتقد و استاد دانشگاه به‌عنوان هیأت داوران انتخاب معرفی شدند. این هیأت از میان ۵ نقد برگزیده هر نشریه، یک نقد را انتخاب کرد.

ملاک‌ها و معیارهای گروه‌های کارشناسی برای انتخاب ۵ اثر از هر نشریه چیست؟ **رؤی‌زآمدی کتاب و نقد، سبک نقد و شیوه نگارش، انطباق با معیارهای نقد علمی، نقد به مفهوم دقیق نه معرفی بلند یا بررسی، بیان توأمان نقاط ضعف و قوت، نقد اثر نه صاحب اثر، رعایت ادب و آداب نقدنویسی از ملاک‌های هستند که از سوی گروه‌های کارشناسی و دآوری در نظر گرفته شده است.**

ریشه‌ها
www.writing- word.com

تلازین برادران

به چه می‌گویند نقد

جورج کورسئف لختسردگ، «هر کتاب یک آینه است». هر کتاب یک آینه است و همانطور که وقتی به آینه می‌نگریم خودمان را می‌بینیم، همانکمی که اثری را می‌خوانیم نیز تنها استنباط خودمان از آن اثر و احساسمان نسبت به آن کتاب را بیان می‌کنیم. ممکن است برداشت ما از کتاب مثبت باشد و نگاه منتقد دیگری به همان کتاب منفی باشد. اما نکته می‌توانیم ترشش نقد را شروع کنیم - حتی از شروع کردن نقد نباید کتاب را محاکمات دوباره خوانند. اولاً برای اینکه مقصود کلی کتاب را دریابید و دوم اینکه برای شروع نقضاتتان یادداشت بردارید. اما همانکمی که می‌خوانید نوشتن نقد برای یک کتاب را شروع کنید. باید به دو سؤال نیز پاسخ دهید. اول اینکه چرا دید شما نسبت به این کتاب مثبت یا منفی بوده است و سؤال دوم اینکه چه عواملی در کتاب وجود داشته‌اند که باعث این واکنش مثبت یا منفی در شما شده‌اند.

در نقد سه عامل اولیه وجود دارد: نقضات و

کیفیت و توصیف و این سه عامل در کل بر یک اصل استوارند و آن اصل، نقضات است. نقضات در واقع به‌طور ساده در همان اولین جملات نقد موعوم نتیجه‌گیری نهایی خود را مشخص کنید و آن نتیجه‌گیری می‌تواند تنها جواب این سؤال باشد: «نقدتان چه لحنی خواهد داشت.»

در پاراگراف‌های بعدی، پس از اینکه دید خود را نسبت به کتاب و همچنین نقضات اولیه خود را بیان کردید، می‌توانید در مورد عامل دوم یعنی کیفیت صحبت کنید. می‌توانید برای نوشتن درباره کیفیت کتاب، سبک کتاب را بررسی کنید. سهیل بودن یا

گفت و گو

ماهور نبوی‌زاد

داشت که در این جشنواره شرکت داد. شدند. طبق برنامه‌ریزی‌های انجام شده نیز مطرح شده و در همین دوره جشنواره نقد کتاب آن دسته از نشریاتی که صفحات یا ستون‌های نقد کتاب دارند هم شرکت داده می‌شوند.

جشنواره نقد کتاب شامل چه بخش‌هایی است و در هر بخش چند برگزیده اعلام خواهد کرد؟ **از هر نشریه یک اثر برگزیده**

معرفی می‌شود، البته به جهت توجه حوزۀ کلیات تصویب شد برای منتقدان کتابک ماه کلیات دو جایزه در نظر گرفته شد.

برای اولین جشنواره نقد کتاب، ۲۰بخش ویژه نیز در نظر گرفته شده است. بخش اول تجلیل از یک پیشگوست نقدنویسی داشته و این پیشگوست را بدیش از ۳۰ ساله سابقه نقدنویسی داشته باشد و به‌طور متوسط سالی ۱۰ نقد نوشته باشند.

بخش دوم انتخاب یک نشریه است. نقد و تریب انتشار، دوام و نظارت به بخش خصوصمی از ملاک‌هایی است که در انتخاب نشریه برنگزیده در نظر گرفته شده است. **دآوری آثار و نشریات طی چه مراحل انجام شده است؟** **هیأت داوران متشکل از چه کسانی هستند؟** **دآوری‌ها در چه مرحله اول کل نقدهای چاپ شده در سال ۸۲ توسط گروه‌های کارشناسی در ۱۲ رشته مورد بررسی قرار گرفته و اثر نشریه ۵ نقد به مرحله دوم دآوری راه یافت.**

برای مرحله دوم ۵نفر منتقد و استاد دانشگاه به‌عنوان هیأت داوران انتخاب معرفی شدند. این هیأت از میان ۵ نقد برگزیده هر نشریه، یک نقد را انتخاب کرد.

ملاک‌ها و معیارهای گروه‌های کارشناسی برای انتخاب ۵ اثر از هر نشریه چیست؟ **رؤی‌زآمدی کتاب و نقد، سبک نقد و شیوه نگارش، انطباق با معیارهای نقد علمی، نقد به مفهوم دقیق نه معرفی بلند یا بررسی، بیان توأمان نقاط ضعف و قوت، نقد اثر نه صاحب اثر، رعایت ادب و آداب نقدنویسی از ملاک‌های هستند که از سوی گروه‌های کارشناسی و دآوری در نظر گرفته شده است.**

جورج کورسئف لختسردگ، «هر کتاب یک آینه است». هر کتاب یک آینه است و همانطور که وقتی به آینه می‌نگریم خودمان را می‌بینیم، همانکمی که اثری را می‌خوانیم نیز تنها استنباط خودمان از آن اثر و احساسمان نسبت به آن کتاب را بیان می‌کنیم. ممکن است برداشت ما از کتاب مثبت باشد و نگاه منتقد دیگری به همان کتاب منفی باشد. اما نکته می‌توانیم ترشش نقد را شروع کنیم - حتی از شروع کردن نقد نباید کتاب را محاکمات دوباره خوانند. اولاً برای اینکه مقصود کلی کتاب را دریابید و دوم اینکه برای شروع نقضاتتان یادداشت بردارید. اما همانکمی که می‌خوانید نوشتن نقد برای یک کتاب را شروع کنید. باید به دو سؤال نیز پاسخ دهید. اول اینکه چرا دید شما نسبت به این کتاب مثبت یا منفی بوده است و سؤال دوم اینکه چه عواملی در کتاب وجود داشته‌اند که باعث این واکنش مثبت یا منفی در شما شده‌اند.



در پاراگراف‌های بعدی، پس از اینکه دید خود را نسبت به کتاب و همچنین نقضات اولیه خود را بیان کردید، می‌توانید در مورد عامل دوم یعنی کیفیت صحبت کنید. می‌توانید برای نوشتن درباره کیفیت کتاب، سبک کتاب را بررسی کنید. سهیل بودن یا

کیفیت و توصیف و این سه عامل در کل بر یک اصل استوارند و آن اصل، نقضات است. نقضات در واقع به‌طور ساده در همان اولین جملات نقد موعوم نتیجه‌گیری نهایی خود را مشخص کنید و آن نتیجه‌گیری می‌تواند تنها جواب این سؤال باشد: «نقدتان چه لحنی خواهد داشت.»

در پاراگراف‌های بعدی، پس از اینکه دید خود را نسبت به کتاب و همچنین نقضات اولیه خود را بیان کردید، می‌توانید در مورد عامل دوم یعنی کیفیت صحبت کنید. می‌توانید برای نوشتن درباره کیفیت کتاب، سبک کتاب را بررسی کنید. سهیل بودن یا

۱۳

شماره ۲۱۲

پوششده از آذر ۱۳۸۲

www.writing-word.com

تلازین برادران

سابر محمدی

دکتر ضیاء موحدشاهی مترجم، نثری توان منکر نقد در ایران شد

دکتر ضیاء موحدشاهی مترجم، نثری توان منکر نقد در ایران شد

دکتر ضیاء موحدشاهی مترجم، نثری توان منکر نقد در ایران شد

دکتر ضیاء موحدشاهی مترجم، نثری توان منکر نقد در ایران شد

دکتر ضیاء موحدشاهی مترجم، نثری توان منکر نقد در ایران شد

دکتر محمود روح الامینی

سیمین بیبختی

نقد مدون به اصناف بسیاری در دهه سیست در دانشگاه تهران با درس های دکتر فاضله سیاح آغاز شد، اما امروز پس از این همه سال نقد چه جایگاهی دارد؟ در پاسخ به این پرسش عده ای باورند: نقد ادبی جدا از نقد و انتقاد به مفهوم عام نابل تصور نیست، چون جامعه ایران سایه یک استبداد طولانی در طول تاریخ را درده، فرهنگ نقدپذیری در جامعه ما نهادینه نشد است و ناگویی ما امروز نقد ادبی داریم، آیا دانشکده‌های ادبیات وظیفه تربیت منتقد را دارند؟ اینور آثار تئوریک نقد که در دهه اخیر ترجمه و منتشر شده، آیا به دانش نقد در نزد ما منجر شده است؟ آنچه به عنوان نقد در مجلات ادبی و مطبوعات چاپ می‌شود آیا معیارهای یک نقد علمی را دارد؟ آیا اهل قلم ظرفیت و تحمل نقد آثارشان را دارند؟ وضعیت نقد کتاب در ایران چگونه است و چگونه باید باشد؟ ۸۳ تن از فرهنگ‌سازان، این مباحث را در میان گذاشته‌ایم که بخش پایانی آن را می‌خوانید:

فرهنگ و فضای نقد

کلاس می‌خواندند، ما خود از همین کتاب بوده‌ است. باید این را هم در نظر بگیریم که نبود فرهنگ کتابخوانی چه ضرری به جامعه زده است، الان در زمینه نقد ادبی، حدود هشت تا ده عنوان کتاب فوق‌العاده عالی و درجه یک به فارسی داریم، کتاب «تاریخ نقد جدید» را که در پنج جلد آقای سعیداریاب ایرانی ترجمه کرده‌اند، خود کتاب «نظریه ادبیات»، زنه ولگ که با ترجمه من و پرویز مهاجر منتشر شد و سال‌ها نایاب بود و اخیراً تجدید چاپ شد. همین کتاب که به عنوان کتاب سال انتخاب شد، چند سال طول کشید تا دو هزار نسخه‌اش به فروش برود. «آلا حساب کنید پندفر شاعر و بوینسده و منتقد کتاب دارید؟ کتاب‌های نقد ادبی که خاتم فرانسه طاعری ترجمه کرده‌اند، با آقای مجری، پروید میزان فروش صالح حسینی ترجمه کرده‌اند. با آقای مجری، پروید میزان فروش آنها را از ناشر پرسیدم، اگر این آثار به‌طور جدی خوانده می‌شد، و اگر همه اهل قلم کتاب می‌خواندند مطمئن باشید وضعیت نقد ادبی ما از اینکه هست، بسیار بسیار بهتر و عمیقتر می‌شد.

محمود روح الامینی محقق و مترجم؛ نقد و انتقاد صریح مشکل‌زاست

در جامعه سنتی ایران، شمار پاسدوران و اهل قلم بسیار کم



بود و فاصله بین اقلیت عالم و عام مردم (رعیت) بسیار بود. درس‌خوانده‌ها موقعیت اجتماعی و فرهنگی ممتاز و مشهودی داشتند.نقد و انتقاد در جامعه طبقاتی گذشته هیچ جایگاهی نداشت. نقد کردن، مفهوم عیوبی، خرده‌گیری و در نهایت تخطئه کردن را با خود داشت. در حال حاضر هم نقد در ایران با تعریف و تشجید است یا تخطئه و عرض‌ورزی. نقد از یک نوشته یا یک کتاب معمولاً به نقد و انتقاد از نویسنده، صاحب اثر می‌انجامد. اینکه آیا اهل قلم نقدپسند هستند یا نه، پرسشی است که حداقل از دو نظر باید به آن نگاه کرد. ابتدا اینکه نوشته چیست؟ و نقدکننده کیست؟ حکماً نباید منتقدانجامه به مورد نقد داشته باشد و موقعیت زمانی و مکانی نوشتار را بشناسد. این موضوعی نیست که بتوان به‌راحتی پاسخ داد.دمن خاطراتی از کلاس‌های درس در فرانسه به یاد می‌آید. دانشجویی چین درس خطاب به استاد گفت، به نظر من مطلق شما درست نیست و پس از توضیح هم، استاد پذیرفت و از او تشکر کرد. برای من که در ایران تحصیل و تدریس کردم، این اتفاق فراموش‌شدنی نیست. چون چنین برخوردی در فرهنگ ما جایگاهی ندارد. نقد، گاهی در قالب طنز بیان می‌شود، چه در مورد یک کتاب، چه در مورد نویسنده‌ای دیگر؛ این مسئله نشان می‌دهد که انتقاد صریح در ایران کاری مشکل است. هیچ نویسنده و اهل قلمی در ایران آثار خود را دارای عیب و ایراد نمی‌داند، حتی می‌آید پس از خواندن یک کتاب، چند نفر به

به مناسبت برگزاری نخستین جشنواره نقد کتاب در ایران

نقد مدون به اصناف بسیاری در دهه سیست در دانشگاه تهران با درس های دکتر فاضله سیاح آغاز شد، اما امروز پس از این همه سال نقد چه جایگاهی دارد؟ در پاسخ به این پرسش عده ای باورند: نقد ادبی جدا از نقد و انتقاد به مفهوم عام نابل تصور نیست، چون جامعه ایران سایه یک استبداد طولانی در طول تاریخ را درده، فرهنگ نقدپذیری در جامعه ما نهادینه نشد است و ناگویی ما امروز نقد ادبی داریم، آیا دانشکده‌های ادبیات وظیفه تربیت منتقد را دارند؟ اینور آثار تئوریک نقد که در دهه اخیر ترجمه و منتشر شده، آیا به دانش نقد در نزد ما منجر شده است؟ آنچه به عنوان نقد در مجلات ادبی و مطبوعات چاپ می‌شود آیا معیارهای یک نقد علمی را دارد؟ آیا اهل قلم ظرفیت و تحمل نقد آثارشان را دارند؟ وضعیت نقد کتاب در ایران چگونه است و چگونه باید باشد؟ ۸۳ تن از فرهنگ‌سازان، این مباحث را در میان گذاشته‌ایم که بخش پایانی آن را می‌خوانید:

سیمین بیبختی شاعر؛ در ایران نقد به معنای امروزین نداشته ایم

این واقعیت را نباید فراموش کرد که در ایران نقد به معنای امروزین آن نداشته‌ایم. شاید به این سبب آنچه از انواع ادبی کلاسیک فارسی به‌منتخان رسیده است با اغراض است با خویشتن و در میان این آثار متوسط یا بدیه که به چشم می‌خورد.

چرا؟ بی‌گمان به این دلیل که نیت و نشر آثار به‌صورت مطلق، مثل امروز آسان نبوده است و استخدام نسخه‌نویسان پرشمار، که با زحمت بسیار و مدت دراز می‌بایست به تهیه تعدادی از نسخه‌های یک کتاب بپردازند، مستلزم حمایت دستگاه یا شخص متمکن می‌بوده که توان مالی لازم را داشته باشد. کافه نیز مثل امروز آسان فراهم می‌شده و جویر و پوست آهو و برگ پایروسی و غیره و آنها هم دم دست نبوده و قطعاً بفکر زحمت و خرج باید برای مطلق و مطلوب سومندی به کار گرفته می‌شده. پس نهایت سعی در شناخت و انتخاب مطلق به انجام می‌رسیده است. همین مشکلات موجب آن بوده که مطلق کم ارج و بهبود از دایره تهیه کتاب بیرون بیامند و عمده آثاری که از گذشتگان به ما رسیده خواندنی و سومندی‌باشد. چنین است که ما نقد به‌صورت امروزین نداریم. اما تفسیر و شرح و منظره میان آفتاب و دانشمندان بسیار داریم که به ملامت نوعی نقد، باید به آنها بگیریم که بیشتر متوجه مئون تاریخی و علمی می‌شده‌اند و رد و قبول عقاید و فرضیات نیز در

میان آنها بسیار است. شعر قدیم ما نیز اصول و مبرم و نقدپذیری داشته است که خیلی زود، درست آن از نادرست مشخص می‌شده و مثل امروز دامنه مکتب‌ها و نظریه‌های شعرى وسیع نبوده است که هر کس بتواند مدعی ادباج نوعی از شعر باشد، شعر ما از قصیده و غزل و مثنوی و رباعی و مسبط و ترجیع‌بند و ترکیب‌بند تا نثر نثر و قوافل و آوزان شعرى و سجع و سجع و سجع و سجع، تمام آفرینش شعرى می‌رسد که کوچکترین تعارضی با این اصول‌داشته، آواز خود و شعرش مطرب شناخته می‌شدند. به این ترتیب ما در طول هزار سال فقط چند شاعر واقعاً بزرگ داریم و کثرت از صد خردمند شاعر که آنها هم از اصول شعر تقلید کرده‌اند، پس در حیطه شعر هم نثاری به نقد و بررسی نداشتیم. پیش از رواج شعر نثر، همچنین‌ها ادبی مکتبى برای نقد شاعری بودند. شعر که خوانده می‌شد، نکات ضعف و قوت آن بی‌درنگ از دهان استاد بیان می‌شد و گفته استاد درودپذیری نبود و شاعران جوان می‌بایست مسجعاً و مطاعفاً آن را موعظت کنند و از لحاظ آموزش اصول شعر، این اصعب‌ها مفید بودند. اما گفتار و تحلیل و ادباج و در آنجا مطالبی برای نماند داشت و تقلید از گذشتگان، اصلى پسندیده به شمار می‌رفت و هرگونه نوآوری یا نقی و تفسیر موجه آن، با حضور نیما و شاید هم اثرات رودپی با التواع ادبی نظهور



در شعر فریب، نقد نایق و ادبیات ماضیه، از استادان پیشکسوت پیش از همه سعید نفیسی به کار برسی شعر جوان‌ترها پرداخته است.مقدمه‌هایی که بر کارهای های گرفته‌های دیگری می‌نوشت در واقع نوعی سخن‌سنجی آرام با گذشت و تشویق و بر پایه محبت بود. این نوع کار از جنبه تشویق پسندیده بود اما از بابت آموزش نمی‌توانست مفید باشد. نقد واقعی نباید فقط ضعف را نادیده بگیرد. همچنان که نمی‌تواند ارزش‌ها را از انگار کند. شادروان بهار بر عنوان سبک‌شناسی مقالاتت ارزشمندی نوشت که بهتر است آنها را بحث دربارهٔ سبک‌های خراسانی و عراقی هندی، به‌نامنامه به هر صورت می‌توان سبک‌شناسی، او را نقد شعر باستان دانست.

استاد روزبفر دربارهٔ مولوی خصوصاً درباره دیگر شاعران گفتارهای ارزشمندی دارد که غالباً باویع زانگی و شرح حالشان علی‌حده است، اما در بررسی شعرشان نیز سهم فراوان دارد.

گفتنی بی‌توجه به زندگی و شرح احوال و صرفاً بای‌دقت در دانش، دربارهٔ چند شاعر بزرگ ایران(ه مولوی، سعیدی، حافظ، خیام و صائب کتاب‌هایی نوشته است که از نگاه و تفسیر تازه‌ای برخوردار است. غالباً با زبان استعاری و بلاغ به توصیفی ملموس از مایه‌ت شعر این شاعران می‌پردازد. به عنوان مثال شعر سعیدی را به خط منحنی کشیده که در سر این شعر از رویای وجود ندارد. این تفسیر ملموس را من در خواندن کتاب سعید خواندم که گستان و بوسان و خواهر و در فضا باید غزل‌ها حس می‌کند. در شاعر، شعر سعیدی می‌توان ابعادش را فهم زد. اینک دست‌اندازی یا سنگی و مایه‌ت را با نامعوار دارد.

دشمن، همچنین حافظ را نخستین مبلغ اندیشه‌های سبک

هندی می‌داند.

سید باکگه ژاوری به شعر گویسند، در احرف‌های همسایه، و ارزش و استقامت، فراوان دربارهٔ مایه‌ت شعر سخن گفته است. تئوری‌های او دربارهٔ نزدیک ساختن شعر به کلام معمول روزگار و استقلال بخشیدن به شعر تا جایی که دیگر در خدمت موسیقی نباشد، بسیار جالب توجه است.

از استادان جوانتر دکتر شفیع دکتری در کتاب «صویر خیال در شعر فارسی، درباره انواع تصویر سخانی دارد که مطالعه آن برای پیوندنگار راه شعر لازم است. او خود شاعر ارزشمندی است و گفته‌های او از تجارب شخصی او ناشی می‌شود و به همین سبب ملموس و زنده است.

از استاد ابوجحوب بی‌تیز بپای کند، نقد او شیوهٔ توصیحی و شعرایی دارد. به گمان من نقد دانشگاهی‌ست، به طرفیانهٔ نهمه و تلمذجات ول‌ایه‌ها چندنگه شعر ترمه‌های قابل تحسین وارد، این نوع نقد و بررسی برای ارزیابی شعر آموزنده است. کتابی دربارهٔ شعر شادروان حمید صدف و کتابی دیگری به نام گهوارهٔ سیزه‌افرا، درباره شعر من مقالاتت بسیار خواننده از او در دسترس است.

در همهٔ چهل حضور، کز در شاره‌های من محافل و مطوعات، شور و یوایی سرشاری باید آورد. آنقدر به سرحاست نوشت و آنقدر در آثار معاصر جست‌وجو کرد تا در حجهٔ ادبیات، نقد به شیوهٔ فربعی مطرح شد، فلم نقد و چالای او بسیاری را آزرده‌اماز به کار خود داده‌ام داد و با گذشت روزگار و افزایش سن و پختگی بر او در سوزن و شامی او کثیر نوشتگش می‌توانی اصلاح و آرایش‌ریسه‌به این ترتیب اروپا، یبده از پیشگامان نقد مدرن بدایم. علاوه بر اطلاع در مس و دیگر کتاب‌های نقدش، رمان‌های بالزانی دارد و مجموعه‌هایی از شعر مدرن.

در عرصهٔ نقد ادبی محمد تقوی بسیار گوشا و دارای مقاله‌ه فراوان در ادبیات کلاسیک و مدرن ایران است. کتاب‌های نقد او می‌تواند راهنمای خوبی برای خوانندهٔ ادبیات باشد. خود او در دو شیوهٔ شعر کلاسیک و مدرن استاد است. عبدالعلی مستنقب نیز در حجهٔ نقد ایران معاصر است. محمدعلی سبانیلو و اسماعیل نوری غلام‌زیر در نقد ادبی صائب سلیقه، خاص هستند. شعر سبانیلو از پختگی فزی و بی‌سلبهٔ بهره دارد.

از میان خاندان‌ها آذربایسی و حورا یابری در نقد زیربسته‌اند.

از خاتم مهری بهفر نیز چند نقد خوانده‌ام. نقد خاتم هلمن اروپایی را نیز می‌پسندم. از جوانان نقدنویس آقای عنایت سیمینی استنباط قوی و تحلیل درستی دارد. به کارش مقدمهٔ کامیار عابدی چند کتاب دربارهٔ شاعران نوشته است که جالب توجه هستند. از محمدرضا عدل و محمود معتمدی هم چند نقد خوانده‌ام. به هر روی، امروز نقدنویسی کم نداریم. منوچهر آشتی هم اخیراً چند کتاب نقد دربارهٔ پنج شاعر نوشته است. نقد آبدین آفشارلو نیز در کار نقد است. چند توصیه هم دارم و آن این که نقدنویسی ماه سه‌تویه حساب با محامله و دوستیانی نشود. جانب حق از دست نرود و اهل قلم هم تحمل نقد واقعی را دارند. باشند. من از نادگان خود چهره‌هایی آموخده‌ام که باید سیاه‌نژادشان باشم.

عباس مخبر، مترجم:

به نظر من وضعیت نقد کتاب هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی چندان خوب نیست چون نقد در یک شرایط موهوم‌ترکیب رشد می‌کند. افراد عادی باید بتوانند با یکدیگر گفت‌وگو کنند، وقتی نمی‌توان در جایی با یکدیگر حرف زد، نقد هم با نمی‌گردد. البته یک بخش از فرهنگ نقد به ساختارهای حکومتی در طول تاریخ برمی‌گردد و یک بخش دیگر هم مربوط به نداشتن برنامه در زمینه آموزش نقد است. اصلاً اهل فرهنگ، اهل سیاست و اهل ادبیات نمی‌توانند بنشینند و با هم گفتگو کنند. من تصورم این است که کتاب‌هایی که در زمینهٔ تئوری نقد و نظریهٔ ادبی منتشر شده‌اند، تا حدودی توانست زمینهٔ اصلاحی نقدنویسی و شباهت‌مندشدن و علمی‌تر شدن نقد را فراهم کنند. شما اگر نقدهای چاپ شده را بخوانید، می‌بینید که عناصری از این مباحث و نظریه‌ها در پایش در نقد دیده می‌شود.

بالاخره مقاله‌ای چون اهمیت مخاطب، ساختاری نگاه کردن به متن‌های ادبی، لذت متن، نقد فمینیستی، نقد روانکاوانه، همه اینها تئوری‌هایی بودند که ترجمه شده‌اند و وارد حوزه دانش نقد ادبیات و نقد فرهنگ شده‌اند. امروز حتی نقدهای تخصصی در حوزهٔ ادبیات دارم مثل نقد روشنائی، نقد ساختارگرا، نقد فرمالیستی و… اسلام‌گن است آن مقدار که انتظار داریم نباشد. ولی ما همه این اوصاف ما زودی از نقدهای تخصصی را در جامعه می‌بینیم که در مطوعات پادر کتاب چاپ می‌شوند. البته ترجمه تئوری‌های ادبی و تئوری نقد ادبی به اعتقاد بعضی، پیامدهای منفی هم داشت و ممکن است این اتفاق هم افتاده باشد که برخی از افراد آثارشان را با رونویسی از این تئوری‌ها و بر بنیای این نظریه‌ها نوشته‌باشند. من نمی‌دانم خلق این دسته از آثار را چقدر می‌توان به ترجمه و انتشار این تئوری‌ها نسبت داد و چقدر می‌توان به عدم بلوغ فکری کسانی که دست به چنین کاری می‌زنند، مرتبط دانست. چون زمانی شما می‌خواهید دنبال رد بای مقصر بگردید و بگردید اگر این تئوری‌ها نبوده، این اتفاقات در حوزهٔ ادبیات نمی‌افتاد، ولی نظر من این است که تا زمانی این ابوغ‌نیات‌فگس وجود دارد، بالاخره این امپارها به نجوی خوششان را نشان می‌دهند. ما نمی‌توانیم گنه این دسته از آثار را به پای تئوری‌ها بنویسیم. ترجمه نظریه‌های مدرن و نقدهای مدرن امری تاگزیر است. حلال‌مسکن است عده‌ای خوب از آن بهره‌گیرند و عده‌ای هم استفاده غلطی از آن داشته‌باشند.

اگر فرهنگ نقدی‌پاری در جامعه ما نهاده نشده، به فرهنگ آموزشی و تربیتی ما و در محیطی که رشد کرده‌ایم برمی‌گردد. نقد ودموکراسی و دوری کنگه‌نگه، بعضی از این مأمور که فرهنگی است، به ما اجازه نمی‌دهد یکدیگر را تحلیلی کنیم و حرف‌های هم را بشنویم، حتی در میان اهل قلم هم همین وضعیت حاکم است. اهل قلم که از گروه مرخ نیامده‌اند، در همین جامعه موزاد شده‌اند و با همین فرهنگ رشد کرده‌اند. اگر افراد جامعه مشکلی دارند، اهل قلم هم دارند.

تربیت مستفاد در جامعه تا امروز دست‌کم به عهدهٔ دانشگاهها و محیط‌های آموزش عالی نبوده است. اما دانشگاه به هر صورت در این میان وظیفه و نقش دارد. من فکر می‌کنم معمولاً دانشگاه‌های ما محافظه‌کارتر از آن هستند که به این قضایا بپردازند. مشکلی است حالا دورس نظامی به دانشجویان یاددهند، اما در هیچ جای دنیا مستفاد در دانشگاهها تربیت نشده‌اند و در اینجا هم همین‌طور است. هم ترجمه تئوری‌های نقد در اینجا روشمند و حساب شده نبوده همچنان که هیچ کاری روشمند و برنامه‌یوری شده نبود. برنامه‌ریزی در زمینهٔ ترجمه تئوری‌ها، مستلزم این است که حساب شده ملاً نقد قرن نوزدهم یا ابتدای قرن بیستم را به فارسی برگزینند و به همین صورت به معاصران برسند. ما هیچ‌گاه چنین برنامه‌ای نداشته‌یم هر کسی بر حسب ذوق و سلیقهٔ خودش اثری را انتخاب و ترجمه می‌کند.

ابوالقاسم رادفر، نویسنده:

نقد ادبی، جهان‌زدن، نقد، حوزه عمومی نیست
وضعیت بازار از نقد به نظر من چندان مطلوب نیست. مقداری آشفتگی در این حوزه وجود دارد. البته نقدهای خوب هم به صورت پراکنده داریم و کارهایشان قابل دفاع است و می‌شود از این نقدها استفاده هم کرد. نقد در واقع باید راهنمای دیگران باشد از جمله مؤلف کتابت. ولی در خیلی از جاها می‌بینیم که نقد نوعی نان قرض دادن است و بر اساس روابط و دوستی نوشته می‌شود. چنین نقدهای بازاری گرم دارد. اما مخاطب چندانی ندارد. نقد خوب و علمی هم کم بازار دارد.

اگر رست به تقاضای بنشینم و بخوام هم در مورد نقدنویسی قبل از انقلاب با نقدنویسی امروز یک ارزیابی کلی داشته باشم، باید گفت امروز با توجه به دیدگاه‌های تازه‌ای که در حوزه نقد به‌وجود آمده و نظریه‌های جدیدی که از طریق ترجمه آثار منتشرشده کتاب‌های بیشتری نسبت به گذشته ترجمه شده و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته، پس طبیعی است که در برخی از زمینه‌ها وضعیت نقد و نقدنویسی بهتر شده، ولی در زمینه‌هایی هم وضع همچنان مثل سابق باقی مانده است و همچنان دیدگاه‌های قدیمی را در نقد رعایت می‌کنند که چندان مطلوب نیست. برای همین باید با دانش روز بی‌چین و تفت.

البته وضعیت نقد در مجموع نسبت به گذشته بهتر شده است. اما در گذشته در زمینهٔ تاریخ آژ نقد و نقدهای امرولی مجرم بودیم ولی الان با کنترش کتاب‌های نقد یک اثر را می‌توان با دیدگاه‌های مختلف نقد کرد که در گذشته کمتر این مسائل توجیه می‌شد.

در مجموع فکر می‌کنم موفقیت و شرایط نقد بهتر شده و نسل تازه‌ای وارد عرصه شده‌اند. اما تا حدودی مکتب‌ها و روش‌های نقد را می‌شناسند. البته نقدهای ضعیف هم همچنان داریم. در کنار نقدهای فصیح، نقدهایی هم وجود دارند که بسیار خوب و قابل استفاده‌اند. اما این نقدها هنوز کمتر هستند. مکتب‌ها پیدا کرده و با توجه به حجم کتاب‌هایی که چاپ می‌شود با توجه به آشنایی معلات و نشریات که به نقد می‌پردازند، کیفیت نقد به مقایسه با گذشته خیلی متفاوت است.

در گذشته تعداد بیشتر نقدانیمت که به سلبانهٔ نقد توجه می‌کردند ولی الان هر روز شاهد تولد نشریه جدیدی هستیم که اقدام به چاپ نقد کتاب می‌کنند. هرچند نقدهای که چاپ می‌شوند دارای کیفیت و ارزش یکسانی نیستند، ولی در یک ارزیابی کلی تعداد نقدهایی که چاپ می‌شوند بیشتر شده و بیشتر قابل بررسی هستند. در این امکان فراهم شده که بتوان از دیدگاه‌های مختلف به عقیده نقد نگاه کرد. اینکه عده‌ای عقیده دارند اگر نقد در ایران نهاده نشده و با بگرفته به استبداد سیاسی در طول تاریخ برمی‌گردد و اعتقاد دارند وضعیت ادبی را نمی‌تود دجاد، نقد در حوزهٔ عمومی بررسی کرد، درست می‌گوید؛ با توجه به اینکه ما در گذشته دور به معنای واقعی نقد نقادیم. کیفیت و فظ از لایه‌ای کتاب‌های بلاغی مثل کتاب‌های چهار مقاله و فلسفه‌نامه و المجمع، دیدگاه‌های کلی و بیشتر هم بر اساس نقد اخلاقی و بلاغی را امروز می‌گردیم؛ در واقع ما بعدها توانستیم با نقد رسمی به مفهوم امروز آشنا شویم و آن معیارهای اساسی هم که امروز در حوزهٔ مورد توجه است. در گذشته به عقیدهٔ من وجود نداشته، به همین جهت پایه و بنیان نقد از گذشته در ایران ضعیف بوده و هست. تا همین مقدار هم که امکان عده‌ای عقیده دارند اگر نقد در ایران نهاده نشده و با نظریه‌های نقد امروز آشنا شدیم، نقدهای ما کمی اصولی‌تر و دقیقتر از گذشته شد.

مأسافانه نویسنده‌گان و اهل قلم خیلی کم ، ظرفیت پذیرش نقد آثارشان را دارند و در مجموع افراد معدودی هستند که نقد را می‌پذیرند. مایه‌ت در برابر نقد آثارشان خیلی زود عصبانی می‌شوند و از کوزه در می‌روند، البته این برحورده‌ها مختص امروز نیست. در مورد نویسندگان بزرگ هم که نگاه می‌کنیم می‌بینیم ملاً نقادان را هرگز نمی‌توانیم می‌دانیم که بر شده‌شان می‌شنند یا آنها را نسبت می‌کنند. پس کلاً خبری از گذشته‌های دور نیست به نقد وجود نداشته و الان هم وجود ندارد. البته کشیش افرادی هستند که نقد را می‌پذیرند. آن هم تعدادی که روی احوال و متعلق نشده است. باقی و میماریه‌های نقد در آن کلاماً رعایت شده باشد. عده‌ای که با معیارهای نقد آشنا هستند و زیاد هم می‌نویسند، فکر می‌کنند هر چه می‌نویسند، درست است.

من فکر نمی‌کنم دانشگاهها و دانشگاه‌های امروز این توان و ظرفیت را داشته باشند که دست به تربیت مستقد بزنند. تصور می‌کنم در خیلی از مورد مستفاد و علاقه‌مندان بر اساس ذوق و علاقه‌اشی که دارند و علاقه‌مندان مطالبات مستمر و برنامه می‌توانند به عنوان مستفاد حرفه‌ای ملاً نقدنویسی علمی را در ایران پر کنند. در هر صورت یکی از وظایف دانشگاهها می‌تواند تربیت مستفاد طراز اول هم باشد.

موشک مرادی کرمانی، نویسنده:

نقد تفرقی

در مورد وضعیت نقد در جامعه تا جایی که من اطلاع دارم، می‌بینم جوانان بسیاری وارد عرصه نقد شده‌اند که تلاش می‌کنند نقد را از آن بلاکهای نجات بدهند. به نظر من این نوید خوبی برای آیندهٔ نقدنویسی در ایران است. ما در گذشته فقط تعداد



عباس مخبر



ابوالقاسم رادفر



موشک مرادی کرمانی



۱۵

شماره ۲۱۲
پوشش ۹ آذر ۱۳۸۲
www.rahman.org



گشت‌شماری نقد و منتقد کتاب دانشیم، خوشخانه در این سال‌ها هم منتقدان زیاد شده و هم نقد زبانی‌تری نوشته می‌شود و هم نشریات و روزنامه‌هایی که به نقد علاقه نشان می‌دهند و نقد چاپ می‌کنند بیشتر شده‌اند. این شرایطی که به وجود آمده، کمک می‌کند به اینکه از دیدگاه‌های مختلف، به مقوله تألیف و ترجمه نگاه کنند.

چیزی که مهم است، این جوان‌ها و کسانی که نقد می‌نویسند، به جای اینکه فقط باشند و قوت‌نمند نویسنده، مقداری احساسات در کارنامه دیده می‌شود. به هر حال از آنجایی که این جریان در نقد آثار معاصر اثر افتاده و به‌ویسبه نسل جوان به پیش برده می‌شود، به نظر من در آینده منتقدان خوب و نقد‌های علمی و عمومی خواهیم داشت.

یکی از مشکلاتی که نقد می‌تواند داشته باشد این است که باید بدبین هر نویسنده‌ای را باید با سبک و سیاق خودش و با در نظر گرفتن جغرافیای خودش بررسی و داوری کرد. نباید این تفکر در منتقد وجود داشته باشد که همه مثل هم نویسنند. یا خیال کنند که باید فلافی مثل فلاں نویسنده از ویلای یا فلاں نویسنده آمریکایی لاین نویسنده، یا بر اساس تئوری‌های جدید آژارش را بنویسند. ما نسخه امروزیک چنین تئوری توسط برخی از منتقدان در جامعه کار و در میان کاتبان‌ها مانده است. می‌شود یک توج ایده‌آلیست در نظر نقد وجود دارد، یک ایده‌آل‌خواهی و آرزوست. آرزو داشتن به نیست اما خواهی‌خوای همه یک جری‌نویسنده، اگر نگاه بدبین‌انگیز داشته باشیم و فکر کنیم که هر چه در ذهن ما می‌گذرد، نویسنده باید عمل کند، راه به جایی نمی‌بریم. هر نویسنده‌ای را باید با توجه به ساقش، با توجه به وضعیت کاری‌اش، آثارش و سن و سالش داوری کرد، اینکه امروز فلاں نویسنده در فلاں کشور مثلاً در فلاں زائر و مهمان حیطه خوبی می‌نوشته و من او را دوست دارم، بقیه هم باید مثل او بنویسند، چنین تفکری برای یک منتقد پسندیده نیست.

الته هر کسی هر نویسنده و شاعری دوست دارد از او و از کارش تعریف شود، این یک واقعیت است. به هر صورت هرمد حساسیت‌بیشتر از دیگر اقبال جامعه است و بر نمی‌تابد که کسی یک نقد منفی در مورد آثارش بنویسد. هر چند باید نویسنده مقداری نقد داشته باشد که از دیدگاه‌های مختلف آژارش نقد و بررسی بشود و باید بپذیرد که دیگران حرفشان را بزنند و حرفشان را در مورد اثر آن نویسنده بگویند. منتقد باید گاهی خودش را به جای نویسنده اثر فرض کند و در نقد هر اثری وجدان و انصاف را در نظر داشته باشد. و طرف باید به هر طبقه و اقتصاد داشته نوشته به هیچ قیاس برخورد و از منتقد بقیه به دل بگیرد. من می‌دانم نویسنده نباید آنگار که تحمل باشد که اگر کسی نقدی نوشته به هیچ قیاس برخورد و از منتقد بقیه به دل بگیرد. من می‌دانم نویسنده نباید نسبت به قبل از انقلاب خیلی بهتر شود. است. در گذشته نقد به نوعی عمل دولتی و گاهی دشمنی بود. امروز کتاب‌های افرادی رایج به اصول نقدنویسی منتشر شده که تأثیر فراوانی در آموزش و آگاهی منتقدان جوان دارد. در گذشته یادیم می‌آید که منتسب یا برامن نقد می‌نوشتند و ما هنوز جوان بودیم و نقدایشان را می‌خواندیم و تا سال‌ها جامعه اهل قلم چشمتش به همین چند منتقد بود. الان خوشخانه افراد زیادی داریم که در جزوه‌های مختلف نقد تعال هستند. هم منتقد قلم داریم، هم منتقد ادبی داریم. این اتفاق برای هرمدان اتفاق می‌افتد. سالی یکی دیگر تکیه به روز سه منتقد داریم و شهرت منتقد دیگر نویسنده را محاب نمی‌کند. چاپ همین آثار در حوزه نقد ادبی تحولی است که نتیجه‌اش را می‌بینیم. اما چیزی که در این میان مهم است، نباید با متر و معیارهای تئوری غرب آثار نویسندگان را داوری کرد و یک داستان ایرانی را نقد و بررسی کرد. به‌ویژگی‌های فرهنگی ایران و به ادبیات بومی هم باید توجه کرد. مسلماً یک نویسنده ایرانی، آژارش با یک نویسنده آمریکایی تفاوت دارد و هر کدام در موقعیت خاصی قرار دارند و می‌نویسند. اصلاً هر اثری را با مهر نگاه کردن بهتر است. آنچه‌ایم همه چیز را از این‌سان نشانه می‌دهیم. نقد به باید منفی باشد. نه مثبت. نقد باید منصف باشد، باید بی‌پای بی‌خواننده و نویسنده باشد و در فرک اثر به خواننده کمک کند.

احمدغلامی نویسنده و روزنامه‌نگار:

نقد بر نقش مرور کتاب

به اعتقاد من، ما نقد به صورت آکادمیک و دانشگاهی که یک اثری را تحلیل کند و در پس این تحلیل یک روش نقد وجود داشته باشد نداریم؛ چه روش ساختارگرایانه، چه محتوایی، چه جامعه‌شناختی. در واقع نقدی که روشی را دنبال کند و از آغاز معلوم باشد که یا چه مبتد و معناری می‌خواهد اثر را نقد کند و به سرتیغ برساند و به آن معیارها و مکتب نقد مرور نظر و قضاوت باشد، معمولاً کار داریم. به اینکه اصلاً چرا در جلد هست، اما بسیار کم است. چه در روزنامه‌ها و چه در مجامعه‌های ادبی. اما باید فرغ از نقد، به کتاب پرداخته شود، باید گفت نشریاتی وجود دارند که به معرفی و مرور کتاب می‌پردازند در همین چند سال اخیر که مطوعات به لحاظ گفنی رونق گرفته‌اند، صفحات روزهای را به کتاب اختصاص داده‌اند و گاهی‌جدی به منتعت نشر کشور به‌وجود آمده است. هم در زمینه معرفی کتاب‌ها و هم مرور آنها. من فکر می‌کنم خیلی از مطایبی که به‌عنوان نقد چاپ می‌شود مرور کتاب است و این رویکرد تازه به کتاب در جذب خواننده بسیار مؤثر است. هر چند برخی با کمک نظمی متفکر خوبی و با

مرور خوب کتاب در نشریات می‌شوند، واقع امر اینگونه نیست. مرورهای خوبی از کتاب‌ها در مطوعات می‌بینیم، به‌خصوص جوانانی که کتاب را به‌صورت جدی مطالعه می‌کنند و در خوانند کتاب و مرور کتاب و نوشتن پیرامون آن کتاب‌ها نوعی زلفت ایجاد می‌کنند، ممکن است افرادی هم در مطوعات فعال باشند و کتاب بخوانند، نمی‌شود متکر این موضوع شد، ولی تلاش‌های دسته‌دیگر را هم باید دید. اگر قابلیت‌های نوشتن مرور کتاب را در جامعه گسترش بدهیم و از روی انواع خروجی آن که ترجمه می‌شوند، در مطوعات چاپ شوند یک سرصل تازه‌ای در نوشتن روزنامه‌های شهری شروع کرده بودم. افرادی‌زادی هستند که گزارش زیادی به سمت نوشتن مرور یک کتاب دارند.

کتاب‌هایی هم در زمینه تئوری نقد در همین یک دهه اخیر منتشر شده که تعدادشان کم نیست و یقیناً در نقدنویسی ما دانش منتقدان تأثیر انکارناپذیری داشته است. اگرچه این کتاب‌ها سامان مندی نوده‌اند، یعنی مکتاب نقد را به‌صورت روشمند ترجمه و منتشر کرده‌اند، اما تک کتاب‌هایی دانشیم که مکتاب نقد ادبی را بررسی می‌کند، اما همین کتاب‌ها اگرچه تألیف در دانش نقد آنگاه است، به هر صورت تأثیر خودش را به جا گذاشته است. حائقال فردی که در مطوعات نقد می‌نویسند، به این باور رسیده‌اند که نوشتن نقد جدی، لازم‌اش شامت تئوری‌های نقد است. از این نظر بسیاری از منتقدان احساسی نیاز به این دسته از آثار دارند.

می‌دانید که الان کتاب‌هایی که در زمینه تئوری‌های نقد و نظریه ادبی منتشر می‌شوند خیلی سریع به فروش می‌روند و اشتیاق



فراوانی وجود دارد که این آثار خوانده شوند. همین که بدانیم نیازمند آثار ای هستیم که به ما روش نقد را یاد بدهد و ما را روشمند بکند، نکته بسیار تأمل‌برانگیزی است. چون ما دارای شیفته خیلی قوی در نقدنویسی هستیم.

در این زمینه باید کتاب‌هایی ترجمه شوند که خوانده شوند که منتقدان و نویسندگان ما را با سیر مکتاب نقد آشنا کنند. چنین رویکردی به نظر من تأثیرگذاری فراوانی دارد. در بحث با‌بشر نقد توسط اهل قلم هم باید بگویم که این به یک مسأله روشنگر در جامعه برمی‌گردد و مانگبر هست. ما ستان سیر و تحمل ما در برابر نقد و انتقاد بسیار پایین است و عموماً سانسب و تسجید را دوست داریم. این هم یک احساس طبیعی است. اما فکر می‌کنم آنچه لازم‌ه پیشرفت در این زمینه است، انتقاد است. یعنی افرادی با جسارت بایند در مورد آثار ما اظهار نظر آزادانه بکنند و ما هم بشنویم. حال‌امکن است بحثی منصفانه و بحثی هم غیرمنصفانه باشد. هیچ الزامی نیست که همه حرف‌هایی را که زده می‌شود صددرصد درست بپنداریم و یا اگر انتقادی صورت می‌گیرد، نویسنده و اثرش تخریب می‌شوند. من چنین صورتی ندارم. به اعتقاد من خوانندگان خیلی با‌عوش‌تر از آن هستند که ما تصور می‌کنیم. سلفه نقدنویسی نشان می‌دهد خیلی از کتاب‌ها نقد‌های سانسب‌آمیز دارند. اما خوانندگان جدا از این نقد‌ها، قضاوت خودشان را دارند و همان نقد‌های مخاطب در سرتیغ یک کتاب می‌تواند اثرگذار باشد. ما باید تحمل خودمان را در برابر انتقادها بالا ببریم و بیشتر کنیم. به‌دلیل اینکه اگر در این انتقادها یک نکته مثبت هم به چشم بخورد، به ما کمک می‌کند که در آثار بعدی بهتر عمل کنیم. البته نقد‌های مخرضانه در این ایام کمتر دیده می‌شود و کمتر کسی امروزه راحت و تاز قرار می‌دهند.

ما در حیطه نقدنویسی در دوره مشخصی رویکرد در دوره‌ای همه آثار را منتقدان باید سلی بررسی می‌کردند و فقط نکات ضعف یک اثر را زیر ذربین می‌بردند. اما در دوره دوم که الان باشد، غالب منتقدان نقد‌های اجناسی می‌نویسند و به نکات مثبت

اثر اشاره می‌کنند. به‌دلیل اینکه آستانه تحمل ما پایین است. منتقدان هم سعی دارند خودشان را درگیر مسائل مطایبی اهل قلم نکنند. فکر می‌کنند در دوره سوم که عترب قر امی رسد نقد به سمت اصولی شدن و تعادل برود. خودنویسنده‌گام هم امروزه‌افتان می‌کند. به نقد احتیاج دارند و کسی بگوید کتابی کارشان مشکل دارد و کتابی کارشان خوب است. من فکر می‌کنم بین نویسنده و منتقد باید همواره رابطه خوبی وجود داشته باشد تا منتقد احساس کند می‌تواند به نقد ضعیف و قوت‌نمندی اثر بپردازد. من شخصاً منتقد‌های هائیکه را نمی‌نویسند و نمی‌خوانم. هر وقت اثری نقد می‌نقد به نقد قوت اثر بیروازد اما از تفکر نکات منفی که اثر هم نباید بی‌مهرود تا نویسنده فکر نکند اثر بی‌بدلی خلق کرده است. اما مورد آثار خودم بارها اعلام کرده‌ام از هر نوع نقدی استقبال می‌کنم، حتی نقدی که به انکار آثارم بپردازد.

مدیاکاشیکر شاعر و نویسنده:

نقدتک ساحتی و افکشتات

من تخصص ویژه‌ای در زمینه نقد ندارم که به بررسی وضعیت نقد کتاب در ایران بپردازم. نظردان در این زمینه احتیاج به یک دید کارشناسی دارد که من این دید کارشناسی را ندارم. نمی‌توانم به این سؤال نوشتن خود را به مورد نقدی بپرسم. اهل قلم، یک بحث دیگری برای من می‌شود. یعنی یک رابطه‌ای بین نقد و اثر وجود دارد. حال این که رفتار اهل قلم نسبت به نقد آثارشان چگونه است. باید بگویم این عکس‌العمل‌ها هر چند درست است. نمی‌وان یک قاعده کلی از آن به دست داد. خیلی اهل قلم دائم مترصد این هستند که کارشان نقد بشود. ولی هستند افرادی هم که تحمل پذیرش گریج‌کن از انتقاد را نسبت به کارشان ندارند. ضمن اینکه در مورد نقد هم باید بگویم ما نقد‌های داریم مثل نقد‌های لیبیستی که در غایت کارگذاشت، کمک می‌کند به مدهای منتقدان ما هم فکر می‌کنند. نویسنده، باید نحوه نقد را به‌دستی انجام بدهد.

در زمینه چاپ آثار تئوریک نقد در دهه اخیر اگر ده‌هیم خطا نکند کتاب‌های زیادی در این زمینه ترجمه شده، فوش به - جمال عمران ترجمه و منتشر شده است. بکسری دیدگاه‌هایی به مشخصاً، نقدی نوعی از نگاه ترجمه شده. مثل نگاه کارنگار، پسااستادگار نقد واشکن ... به هر حال نمی‌شود گفت این آثار بی‌تأثیر بودند. من فکر می‌کنم در حوزه نقد، خیلی چیزها الان دارد ظاهر می‌شود که سابق آن نبوده است. یعنی می‌بینم آثار با‌لان سهم‌بیشتری را در نقد دارند. اشغال می‌کنند. این آثار نشان می‌دهند که منتقدان ما از روش سنتی‌تری در این آثار بی‌تأثیر بوده‌اند. به هر حال آنچه که در زمینه نقد منتشر می‌شود، ضرر ندارد. البته افرادی‌ناچه‌حداز این اندیشه‌ها برایشان صحیح بکنند یا نکنند برمی‌گردد. به‌ضاعت‌های فی‌خودشان. بعضی‌ها احتمالاً درک بیشتری از این آثار دارند و در صفحات روزنامه‌ها نقد‌های خوبی می‌خوانیم. این افرادی که در فضای جوانی هستند و خیلی بخند از امثال ما نقد می‌نویسند. باید کتاب‌های تئوری نقد را عرضه خواننده‌ای که ما نخواهیم.

در بحث نقد تخصصی هم من معتقدم اگر نقد تخصصی نداریم قطعاً همین چند نفری که شما می‌شناسید، هستند. اما این افرادی مثل نقد‌های داریم که خوب می‌نوسند افرادی داریم که کلاسیک با‌انی ما‌اندند. هر کسی با دیدگاه خودش دارد نقد می‌نویسد. شما وقتی بحث نقد روششناختی یا نقد زبانشناسی می‌کنید اینکه به صورت داشتن نگاه تخصصی از‌ا‌ما برای مثنی نیست. ممکن است یک نگاه بسنه باشد. من نمی‌خواهم دوستانی را که اینگونه نقد می‌نویسند را نقد بکنم. ولی در غایت یک اثر ادبی یک کیفیت کامل است. یک هویت کامل دارد. یک وجود زنده است. اگر شما دوست دارید فقط به عنوان یک کسان، نگاه روششناختی به آن داشته باشید. نگاه صرفاً تکنیکی یعنی چندساحتی می‌خواهد. متنگر اینگونه نقد‌های تخصصی سنتیم ولی اینکه به نقد‌ها فقط حسیه ای از کار را روشن می‌کنند. در حالی که نقد باید همه سویه باشد. از چند بعد به اثر نگاه کند. از زاویه زبانشناسی از زاویه ساختار و از نظر قدرت تعلیق به اثر نگاه کند. ضمن این ما در نوع نقد داریم یکی نقدی هست که متوجه خود اثر هست به عنوان اثر نقد دومی هم داریم که متوجه اثر هست به عنوان آن چیزهایی که اثر از وضعیت اجتماعی از وضعیت روانی و یا از وضعیت تاریخی دارد بیان می‌کند. این دو نوع نگاه کاملاً متفاوت است. وقتی هدف ما در نقد نگاه اول باشد یا دوم، طبعاً نقد‌هایی که خواهیم داشت فرق خواهد کرد. اگر نگاه ما‌نگاهی نوع اول است و متوجه اثر است، سانسب تئوریک‌نگاهی که ساحتی باشد، یا بیشتر ناچیزیم. نگاهی چند بعدی داشته باشیم. ولی اگر قرار باشد اثر را به عنوان یک ایوه نگاه کنیم که می‌تواند به ما از یک وضعیت اجتماعی و وضعیت سیاسی و یک وضعیت عمومی بشری اطلاع بدهد در این حالت احتمالاً نقد تخصصی می‌تواند راهگشا‌تر باشد تا نقد چندبعدی.

جمجمه این نظر خامی‌ا (ما چاپ شده و چاپ شده)
بزرگی در یک کتاب از سوی مؤسسه خانه کتاب چاپ و منتشر می‌شود



احمد غلامی



مدیا کاشیکر